روزنامه سرخاب

شنبه ۸ آذر ماه ۱۳۹۹ ■ ۱۲ ربیع‌الثانی ۱۴۴۲ ■ ۲۸ نوامبر ۲۰۲۰ ■ سال چهاردهم ■ شماره ۳۷۱۷ ■ ۸ صفحه ۲۰۰۰ تومان

http://www.sorkhab.ir ISSN2008 - 1014

رییس جمهور:

چند هفته دیگر قلدرها به زباله‌دان تاریخ می‌پیوندند

۲

استاندار آذربایجان شرقی:

محافظه‌کاری بانک‌ها معظل گردش مالی کارخانه‌ها است

۳

«بودجه فرهنگ» خرج «فرهنگ» نمی‌شود

درد بی‌عملی داریم نه بی‌پولی!

عماد افروغ معتقد است که بودجه‌هایی که به فرهنگ اختصاص داده می‌شود، خرج مأموریت‌های محوله نمی‌شود. «بودجه فرهنگی» از جمله چالش‌هایی است که دولت‌های مختلف در پایان هر سال درگیر آن هستند، بودجه‌ای که البته معمولاً در فرآیند بودجه‌بندی، مورد کم‌توجهی قرار می‌گیرد و در هر شرایط مواجهه با هر نوع کسری، اول از بودجه این بخش کسر می‌شود! شخصاً معتقدم بسیاری از بودجه‌هایی که تخصیص داده می‌شود، یا اصلاً خرج ماموریت‌های محوله نمی‌شود یا نظارت لازم بر نحوه صحیح هزینه کرد این بودجه‌های فرهنگی صورت نمی‌گیرد

صفحه ٤

با گذشت چهار سال از حادثه قطار تبریز-مشهد؛

بازماندگان چشم انتظار محاکمه مقصران

صفحه ۳

عکس: آرشیو- سرخاب

سرخط خبرها

اولتیماتوم جهت تعیین تکلیف کشت و صنعت

۲

کاسبی بیمارستان‌های خصوصی با کرونا

۴

تخم مرغ هم گرفتار مشکل بازار مرغ شد

۳

خدا برای بازگشت دیه‌گو دستور VAR می‌دهد؟

۷

تیتر وار

نظامی ها مذاکره را بهتر بلدند

یک نماینده مجلس گفت: آقای روحانی هفت سال است که می‌گوید من سرهنگ نیستم و حقوق‌دانم ولی در این هفت سال چه گلی به سر این مملکت زده است؟ بزرگترین مشکلات امروز کشور ما ساخته دست همان کسی است که با افتخار می‌گفت من سرهنگ نیستم و حقوق‌دان هستم

۲

دور کشور دیوار نکشیم

رییس کمیسیون پول و سرمایه اتاق بازرگانی تهران اظهار داشت: اگر ما بتوانیم با جامعه بین‌الملل ارتباط برقرار کنیم و تحریم‌ها برداشته شود به طور حتم روی اقتصاد ما تأثیر مثبت خواهد گذاشت. نمی‌شود دور خودمان دیوار بکشیم و هیچ ارتباطی با اقتصاد جهان نداشته باشیم

۳

"خود زنی هنری" یا "انتحار زیرپوستی"

صحبت درباره هنر چندان آسان نیست، اهل هنر خوب میدانند که در چند دهه اخیر چه ها که بر سر هنر و هنرمند این مرز و بوم نیامده. هنوز که هنوز است جایگاه روشنی برای هنرمندان و گونه های هنری تعریف نشده است

۸

حرف اول

رئیس جمهورِ زن یک فرصت برایِ نظام نه فرصت‌سوزی

فاطمه آجرلو

در بحبوحه انتخابات ۱۴۰۰ و گمانه‌زنی‌ها برای کاندیداهای انتخابات، موضوع رئیس جمهور شدن زنان بسیار داغ شده است.

درست است که زنان نیمی از جامعه را تشکیل می‌دهند اما در مورد آزادی باید تمام جامعه را در بر بگیرند. یکی از مباحثی که امام خمینی (ره) به آن اهتمام ویژه می‌ورزید، حضور فعال زنان در عرصه‌های مدیریتی و حکومتی بود. حتی مقام معظم رهبری نیز بر این باور هستند که باید از زنان در جایگاه تصمیم گیری استفاده شود و نگاه جنسیتی وجود نداشته باشد.

پس از انقلاب، برای نخستین بار یک زن به عنوان وزیر رفاه پیشنهاد شد. هم مقام معظم رهبری هم علمای دین، بر این باور بودند که زنان باید حضور فعالی در عرصه‌های مدیریتی داشته باشند و در مواقع خدمت به نظام، از توانمندی زنان استفاده شود.

از سوی اگر به سیر تاریخی قانون اساسی بنگرید، بحث رجل سیاسی، بحثی جنسیتی نیست. اکنون شورای نگهبان ، باید تفسیر مناسبی از واژه «رجال» بدهد. در تفسیر واژه «رجال» آمده اکه زنان هم می‌توانند در جایگاه‌های کلان حکومتی حضور داشته باشند. اگر شورای نگهبان به تفسیر درستی از این واژه برسد و زنان کاندیدای ریاست جمهوری شوند، فصلی نو در جمهوری اسلامی پدید می آید.

همان طور که در باب تصدی‌گری وزارتخانه‌ها، فضا برای زنان باز شد و آن‌ها توانمندی خود را نشان دادند، اگر این باب به روی ریاست جمهوری آنان نیز باز شود، بسیار امیدوارکننده بوده و می‌توان از تمامی ظرفیت‌های نظام برای پیشرد اهداف انقلاب استفاده کرد ...

ادامه در صفحه دو

اطلاعیه
اداره کل راه و شهرسازی
نوبت دوم
صفحه ۶
اداره کل راه و شهرسازی استان آذربایجان شرقی

ایران و آمریکا؛ نقطه، سرخط

دوربرگردان به قبل از ترامپ

عصر ایران- کمتر از ۲۴ ساعت پس از سخنان آیت‌الله خامنه‌ای که در دیدار با رییس جمهوری و دیگر اعضای شورای عالی هماهنگی اقتصادی گفته بودند «چند سال مذاکره کردیم اما بی‌نتیجه بود» حسن روحانی، رییس جمهوری جدیدِ آمریکا را به بازگشت به دوران قبل از دونالد ترامپ دعوت کرده و گفته است: «ایران و آمریکا به ۴ سال قبل بازگردند ولی این طور هم نیست که برنامه‌ای برای فردا نداشته باشیم».

این سخنان نشان می‌دهد که رهبری عالی نظام، مانند دوران ترامپ، مذاکره را منع نکرده‌اند و راهبرد کنونی «نه جنگ، نه مذاکره» نیست البته امید بستن و گره زدن و شرطی کردن هم نیست. ضمن این که اکنون توپ در زمین آمریکاست و به خاطر همین رییس جمهور روحانی گفته است: «تعهد در برابر تعهد، اقدام در برابر اقدام و کاهش تنش در برابر کاهش تنش».

نزدیکان جو بایدن گفته‌اند او می‌خواهد «دوربرگردان» کند و به همان نقطه‌هایی بازگردد که ترامپ منحرف شده بود.

به خاطر همین است که حسن روحانی خواستار بازگشت به ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷ (روز امضای ترامپ پای فرمان خروج آمریکا از برجام) نشده بلکه می‌گوید به ۲۰ ژانویه ۲۰۱۷ بازگردیم یعنی اول بهمن ۱۳۹۵. روز روی کار آمدن ترامپ. اگر قرار باشد بایدن به دوران ترامپ به مثابه کمانک (پرانتز) بسته شده در فاصله اول بهمن ۱۳۹۵ تا اول بهمن ۱۳۹۹ بنگرد شکل کار همان است که روحانی می‌گوید: بازگشت به همان نقطه‌ای که ترامپ آمد. سخنان روحانی واضح ترین پیام رسمی از جانب تهران و نشان دهندهٔ عزم او برای احیای برجام در همین دولت است.

نگاهی به مواضع رییس جمهوری ایران در سه هفتهٔ اخیر و پس از پیروزی جو بایدن نشان می‌دهد از لاک دفاعی و اکتفا به مباحث مرتبط با کرونا به تدریج بیرون آمده و واکنش خود او، معاون اول، رییس سازمان برنامه و رییس کل بانک مرکزی به سخنان رییس مجلس در اکتفا به متهم کردن مدیریت داخلی و انکار آثار مخرب سه سال محاصره اقتصادی را می‌توان در همین راستا ارزیابی کرد.

با این حساب ایران پیام رسمی و علنی خود را اعلام کرده است: مذاکره در چارچوب برجام و نه برجام جدید و بازگشت به همان نقطه‌ای که ترامپ، دیوار کشید و منحرف شد.

شکل حقوقی برجام -اگرچه عملا معاهده و توافق و تعهد آور است- چنان که از نام آن برمی آید «برنامه» است: «برنامه جامع اقدام مشترک». دونالد ترامپ اما مجال عمل به این برنامه و استمرار آن را نداد. بنابراین ایران از جو بایدن انتظار دارد به نقطه ای بازگردیم که ترامپ نبود نه حتی نقطه ای که فرمان خروج صادر کرد. کاینه ترامپی نیامده است!

همان گونه که رییس جمهوری جدید آمریکا وعده داده به پیمان آب و هوایی پاریس بازمی‌گردد یا برای ۱۱ میلیون مهاجر ساکن آمریکا هویت آمریکایی صادر می‌کند و هر دو در واقع بازگشت به قبل از ترامپ است.

سال ۸۸ و قبل از اعلام نتیجه انتخابات، نوشتم اگر رقیب احمدی‌نژاد به قدرت برسد، هم کاری دشوار در پیش دارد و هم آسان. دشوار به این خاطر که طی ۴ سال سیاست‌های متفاوتی اجرا شده و آسان به این سبب که کافی است به دورهٔ قبل از او برگردد و به عکس عمل کند.

این نکته را دربارهٔ جو بایدن هم می‌توان گفت. دشوار است چون ترامپ به مسیری دیگر رفته بود و باید به راه قبلی بازگردد و آسان است چون مسیر قبل از ترامپ مشخص بوده و از همان جایی که خارج شده می‌تواند بازگردد. در این میان البته بایدن این ملاحظه را هم دارد که نمی خواهد به دولت او به چشم دولت سوم باراک اوباما نگاه کنند و انگار همچنان اوباما رییس است و او کماکان معاون و کامالا هریس نیز این توصیف را نمی پسندد.

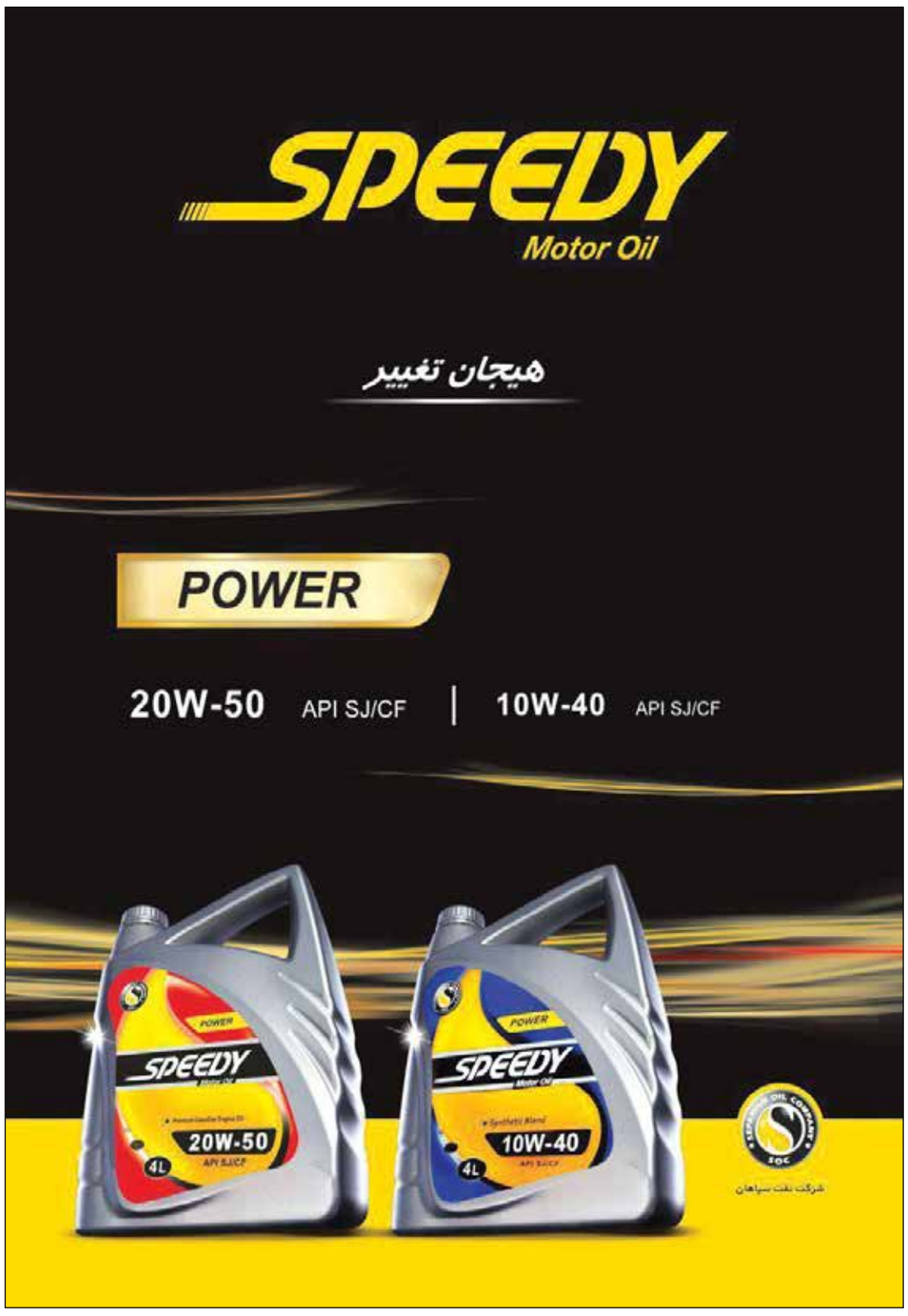

روزنامه سرخاب در شمال‌غرب کشور نماینده فعال می‌پذیرد
شماره تماس: ۹-۶۶۵۶۷۷۶۷-۰۲۱
۰۹۱۲۱۸۳۸۵۳۷

سرخاب

سازمان جذب آگهی‌ها
شماره تماس: ۳۵۵۵۳۵۳۸-۰۴۱
۰۹۳۹۳۰۴۳۵۱۰

همنوا
ما به آینده فرهنگی شهرمان امیدواریم
شما چطور؟
HAMNAVA
HAMNAVA.IR

نظر

روحانی:

چند هفته دیگر قلدرها به زباله‌دان تاریخ می‌پیوندند

ایسنا- رئیس جمهوری با اشاره به پایان دوران ریاست جمهوری دونالد ترامپ رئیس جمهوری ایالات متحده آمریکا گفت: آنهایی که می‌خواستند ملت ایران سال ۹۷ جشن سالگرد پیروزی انقلاب خود را نبینند و آنها وارد ایران شوند، همه سرنگون شدند و همه دوران قلدری‌هایشان پایان یافت و چند هفته دیگر به زباله دان ریخته می‌شوند.

حجت‌الاسلام والمسلمین حسن روحانی رئیس‌جمهوری در آیین بهره برداری از طرح‌های ملی وزارت نفت که به صورت ویدئوکنفرانس برگزار شد، با بیان اینکه «سال‌هاست که دچار تحریم هستیم» اظهار کرد: در این ۳ سال اخیر در یک جنگ رویاروی بودیم و دشمنان با تمام مقابل ملت ایران آمدند و شکستی مفتضحانه خوردند.

وی با اشاره به پایان دوران ریاست جمهوری دونالد ترامپ رئیس جمهوری ایالات متحده آمریکا افزود: آنهایی که می‌خواستند ملت ایران سال ۹۷ جشن سالگرد پیروزی انقلاب خود را نبینند و آنها وارد ایران شوند، همه سرنگون شدند و همه دوران قلدری‌هایشان پایان یافت و چند هفته دیگر به زباله دان ریخته می‌شوند.

رئیس جمهوری با تاکید بر اینکه این ملت ایران بود که در این سه سال مانند قبل مقاوم ایستاد و پیروز شد و این دشمنان ایران بودند که دچار شکست شدند، گفت: در این سال‌ها نشان داده شد اقتصاد ایران بزرگ و مقاوم است و فکر نمی‌کنم در منطقه هیچ کشوری چنین قدرتی داشته باشد که بتواند در سه سال جنگ رویاروی بایستد و پیروز شود؛ این نتیجه‌ی عظمت و قدرت و تاب آوری ملت ایران در سایه خوداتکایی و درون زایی و ژئوپلیتیک ایران است؛ ایران جایگاه جغرافیایی عظیمی است که قدرتی در دنیا نمی‌تواند ایران را بخاطر جایگاه خاصی که دارد فرهنگ و همچنین مقاومت‌های بسیاری که در طول تاریخ داشته است؛ از منطقه و جهان حذف کند. خیلی‌ها می‌خواستند کشور ما را از بین ببرند و نتوانستند؛ حال اینها آخرین‌هایی بودند که آمدند، اما به نتیجه نرسیدند و شکست خوردند.

رئیس جمهوری با بیان اینکه برای «ما، ملت ایران و دنیا آینده ایران بسیار مهم است» تصریح کرد: ایران آباد و پیشرفته تنها برای مردم ایران نیست بلکه برای مردم منطقه و جهان اسن؛ ایران می‌تواند نیازمندیهای منطقه و حتی در برخی موارد نیازمندی‌های جهان را ارزانتر و راحت‌تر تامین کند.

وی با تاکید بر اهمیت فعالیت دانشگاه‌ها در حوزه تامین سرمایه انسانی، گفت: اگر می‌خواهیم در صنعت با جهش و شتابی خوب مواجه شویم نیازمند سرمایه‌گذاری اعم از داخلی و خارجی هستیم؛ امروز دیدیم که طرح‌هایی افتتاح شد که بخشی از منابع آن خارجی بود؛ اگر سرمایه خارجی در کنار داخلی قرار بگیرد می‌توانیم شاهد تحولات بزرگی باشیم.

رئیس جمهوری ادامه داد: دومین موضوع در جهش تولید مواد اولیه است؛ در بسیاری از صنایع به ویژه پتروشیمی، نفت، گاز، فولاد، مس و آلومینیوم مواد اولیه خوبی در اختیار داریم که بسیار مهم است. مسأله سوم در جهش تولید تکنولوژی است؛ در نبود تکنولوژی با قیمت گران حداقل استفاده را می‌توان برد. در استفاده از تکنولوژی باید هم به داخل و هم به خارج توجه کرد؛ در حوزه داخلی شرکت‌های دانش‌بنیان پیشرفت‌های بسیار خوبی دارند؛ در استفاده از تکنولوژی خارجی نیز همواره استفاده کردیم و باز هم استفاده می‌کنیم؛ به لطف خدا آمریکا و کشورهای دیگر در این زمینه هیچ‌گاه نتوانستند مانع شوند؛ چون ما در هر حال که خواستیم تکنولوژی را آوردیم؛ حال ممکن است تحریم‌ها و فشارها باعث افزایش هزینه‌های مالی شود اما هیچ کس نمی‌تواند در اصل استفاده از تکنولوژی خارجی مانع شود.

روحانی با تاکید بر لزوم حضور صنایع مختلف در بازارهای جهانی گفت: پایه چهارم جهش تولید بازار است؛ برای تولید باید تقاضاهایی وجود داشته باشد؛ گاهی این بازار داخلی است گاهی خارجی است؛ ما باید میلیاردها جمعیت و بازارهای متنوع را ببینیم و اینجاست که تعامل سازنده می‌تواند تأثیر گذار باشد؛ تعامل سازنده در کنار قدرت ملی اهمیت دارد؛ اگر کشوری ضعیف باشد در تعامل سازنده باید التماس کند؛ درحالی که تعامل سازنده یعنی قدرت ملی ما در جایگاهی قرار بگیرد که آنها به ما نیازمندند ما هم علاقه مندیم که با آنها تجارت و تعامل داشته باشیم.

وی افزود: این ۴ اصل امروز در ایران وجود دارد و ملت ما امروز در مسیر صحیحی قرار گرفته است و کسی هم نمی‌تواند از افکار عمومی ملت فاصله بگیرد. خوشبختانه در کشور ما همه حرکات ساختاری ما بر مبنای مردم‌سالاری است؛ مردم سالاری بسیار مهم است تا افکار را در مسیر درست قرار دهد و این افکار درست است که می‌تواند نسل جوان، کشاورز و صنعت‌گر را جذب کند؛ از ۲۲ بهمن ۵۷ ما در مسیر مردم سالاری رفتیم و امام راحل مردم سالاری را بخوبی دید و در ۴۷ روز اول به مردم گفت پای صندوق بروید؛ این مردم سالاری تضمین کننده اصل نظام و تصحیح افکار ماست.

رئیس جمهوری با بیان اینکه امروز بحمدالله جامعه ما با امیدواری بسیار خوبی نسبت به آینده می‌اندیشند بر لزوم توجه همه مسئولان به آینده ملت ایران و رفاه مردم تاکید و اظهار کرد: بد اخلاقی و بد دهنی را رها کنیم؛ ما [دولت] که اعتنایی نمی‌کنیم و اگر کسی بد اخلاقی کند اصلا خللی در اراده ما ایجاد نمیکند اما ما پیامبری داریم که فرمودند «فقط برای این مبعوث شدم که مکارم اخلاقی را کامل کنم».

روحانی ادامه داد: ما جمهوری اسلامی ایران هستیم و افتخار ما اخلاق و ادب است؛ این معنایش این نیست که کسی انتقاد نکند؛ انتقاد سازنده مفید است، اما انتقاد غیر از بد دهنی، فحاشی و بی تربیتی است و ملت ما نیز این موارد را برنمی‌تابد؛ همه باید به خدمت به مردم و افتخار و سرافرازی ایران فکر کنیم.

وی با اشاره به بهره‌برداری از طرح‌های ملی سراسر کشور در روزهای پنجشنبه گفت: طرح‌هایی که امروز افتتاح شد نشان می‌دهد که همه‌ی مهندسان صنعتگران و مدیران در میدان هستند؛ پنجشنبه‌های ما گواه تاریخ است و در شهادت می‌دهد که ملت ما ایستادگی می‌کنند و در برابر دشمنان عقب نشینی نمی‌کنند و مسیر پیشرفت خود را تا انتها ادامه خواهد داد.

به گزارش ایسنا، رئیس جمهوری در بخش‌هایی از صحبت‌های خود در این مراسم با تسلیت به مناسبت فرارسیدن سالروز وفات حضرت معصومه(س) خاطر نشان کرد: امروز بزرگترین حوزه علمیه برای جهان تشیع و حتی جهان اسلام حوزه علمیه قم است و اینها همه از برکت قدوم حضرت فاطمه معصومه (س) به شهر قم بود که این منطقه را متبرک کردند.

طبق اظهارات رئیس جمهور؛

آیا حل اختلاف بین ایران و آمریکا آسان است؟

رویداد۲۴ - حسن روحانی، رییس جمهوری ایران، هفته گذشته گفت که از نظر او حل مساله موجود میان ایران و آمریکا بسیار آسان است. آقای روحانی که در نشست هفتگی دولت ایران سخن می‌گفت، ابراز امیدواری کرد که اگر دولت جدید آمریکا اقدام‌های دولت قبل را محکوم و سیاست‌های نادرست آن را جبران کند. او تصریح کرد که اگر اراده حاکمان آینده آمریکا بازگشت به سیاست تعهد، احترام و اقدام متقابل باشد، گره اصلی با یک اراده و تصمیم دو جانبه برای بازگشت به شرایط ۲۰ ژانویه ۲۰۱۷ باز می‌شود.

اما این اظهارات آقای روحانی، یک روز پس از آن بود که علی خامنه‌ای، رهبر ایران در دیدار روسای سه قوه و اعضای شورای عالی هماهنگی اقتصادی گفته بود: «به بیگانگان نمی‌توان اطمینان کرد و به امید گشایش آنها بود.» آقای خامنه‌ای همچنین یادآور شده بود: «البته ما مسیر رفع تحریم را یک بار امتحان و چند سال مذاکره کردیم اما به نتیجه‌ای نرسید.»

اما محمدجواد ظریف، وزیر خارجه ایران که مذاکرات او با غرب با هدف لغو تحریم‌ها از سوی رهبر ایران «بی‌فایده» توصیف شده، در گفتگوی اخیر خود با روزنامه ایران گفته بود: «بایدن می‌تواند با سه فرمان اجرایی همه این‌ها (تحریم‌ها) را لغو کند، این که گفته می‌شود رئیس جمهوری بعدی آمریکا نخواهد توانست برخی از تحریم‌های برجامی آمریکا را لغو کند، فقط حرف است.»

آقای ظریف همچنین گفته که اگر آمریکا بخواهد به برجام بازگردد ما حاضریم در مورد این که چگونه آمریکا دوباره وارد برجام شود با این کشور گفتگو کنیم.

اما با وجود این که جو بایدن، رئیس جمهوری منتخب آمریکاه وعده بازگشت کشورش به برجام را داده، باراک اوباما، رئیس جمهوری سابق آمریکا در گفت‌وگوی اخیر خود با روزنامه واشنگتن‌پست در مورد بازگشت ایالات متحده به توافق‌ها و معاهده‌های بین‌المللی از جمله برجام گفته است: «اعتماد از دست رفته متحدانمان و تمام جهان به رهبری آمریکا، به سرعت بازنمی‌گردد. لذا به دلیل آسیب‌های وارد شده، تغییر این وضعیت زمان بر خواهد برد ولی مطمئنم جو بایدن از پس آن برخواهند آمد هر چند که ممکن است در کوتاه مدت اتفاقی نیفتد.»

اشاره آقای اوباما به اعتماد از دست رفته متحدان آمریکا و سایر کشورهای جهان مساله‌ای است که در سخنان مقام‌های جمهوری اسلامی به وضوح نمایان است. چنان که رهبر ایران از عدم اطمینان به بیگانگان و بی‌فایده بودن مذاکره سخن گفته است.

در عین حال، تاکید حسن روحانی بر لزوم جبران سیاست‌های نادرست آمریکا طی چهار سال گذشته و نیز اظهارات آقای ظریف در مورد این که ایران نحوه ورود آمریکا به برجام را قابل گفتگو می‌داند، گویای پیش شرط‌هایی است که ایران برای بازگشت ایالات متحده به برجام در نظر دارد و در عمل می‌تواند روند این بازگشت را آن چنان که آقای اوباما نیز به آن اشاره کرده، در کوتاه مدت دشوار کند.

هر چند آن گونه که آقای بایدن نیز در جریان رقابت‌های انتخاباتی گفته بود، ایالات متحده نیز برای حصول توافق تازه با ایران دغدغه‌هایی از جمله پایبندی ایران به تعهدات هسته‌ای خود و نیز توسعه فعالیت‌های منطقه‌ای و موشکی دارد که می‌تواند تعلیق تحریم‌ها را مرحله‌بندی و مشروط کند.

در عمل نیز آمریکا برای بازگشت به برجام در گام نخست باید درخواست خود از شورای امنیت سازمان ملل متحد را برای فعال‌سازی مکانیسم حل‌وفصل اختلافات موجود در برجام که ۲۰ اوت گذشته ارائه شده بود، پس بگیرد.

اما اگر جو بایدن به عنوان رئیس جمهوری آمریکا پس از حصول توافق اولیه با ایران برای حل مسایل موجود در خصوص تعهدات دو جانبه در قبال برجام، با صدور فرمانی اجرایی کشورش را به توافق هسته‌ای غرب با ایران بازگرداند، مساله رفع تحریم‌های برجامی همچنان چالش‌برانگیز خواهد بود.

هر چند آن گونه که وزیر خارجه ایران گفته، آقای بایدن قادر خواهد بود تحریم‌هایی را که بر پایه فرمان اجرایی دونالد ترامپ احیا شده را با اقدامی متقابل متوقف کند ولی به باور کارشناسان آن گونه که در برجام نیز تصریح شده آمریکا موظف است تحریم‌های ثانویه و تحریم‌های یک‌جانبه خود به بهانه برنامه هسته‌ای ایران را به حالت تعلیق درآورد و نه این لغو کند.

اما تحریم‌هایی که با استناد به قانون کنگره مانند قانون مقابله با تروریسم و نقض حقوق بشر وضع شده، حتی اگر در قالب فرمان اجرایی رئیس جمهوری آمریکا فعال شده باشد، نیازمند رایزنی با کنگره آمریکا و جلب نظر اعضای آن خواهد بود. البته با توجه به حفظ اکثریت کنگره از سوی حزب دموکرات شاید این روند غیرممکن نیست ولی زمان‌بر است و خیلی هم آسان نخواهد بود.

منبع: یورو نیوز

منظور امام این نبود که نظامی ها نمی‌توانند نامزد شوند

نماینده مجلس: نظامی ها مذاکره را بهتر بلدند

انتخاب- یک نماینده مجلس گفت: آقای روحانی هفت سال است که می‌گوید من سرهنگ نیستم و حقوق‌دانم ولی در این هفت سال چه گلی به سر این مملکت زده است؟ بزرگترین مشکلات امروز کشور ما ساخته دست همان کسی است که با افتخار می‌گفت من سرهنگ نیستم و حقوق‌دان هستم. این در حالی است که افراد نظامی با توجه به سوابق تشکیلاتی و انضباطی خودشان می‌توانند نظم بهتری به مدیریت امور بدهند.

ابراهیم عزیزی درباره نامزدی چهره‌های نظامی در انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰، گفت: ما اگر به تاریخ نگاه کنیم و جهان امروز را ببینیم، متوجه خواهیم شد بسیاری از کشورهایی که موفق بودند از گزینه‌های منضبط و با دسیپلین و نظامی در امور اجرایی و سایر موضوعات استفاده کردند و لذا این نمی‌توان مساله نگران کننده‌ای باشد.

این نماینده شیراز در مجلس شورای اسلامی با طرح این سوال که آقای روحانی هفت سال است که می‌گوید من سرهنگ نیستم و حقوق‌دانم ولی در این هفت سال چه گلی به سر این مملکت زده است، گفت: بزرگترین مشکلات امروز کشور ما ساخته دست همان کسی است که با افتخار می‌گفت من سرهنگ نیستم و حقوق‌دان هستم. این در حالی است که افراد نظامی با توجه به سوابق تشکیلاتی و انضباطی خودشان می‌توانند نظم بهتری به مدیریت امور بدهند.

این عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجه در پاسخ به این پرسش که آیا یک چهره نظامی می‌تواند در عرصه سیاسی و اقتصادی یا سیاست خارجه موفق باشد، گفت: قطعا از خیلی از افرادی که ادعای آن را دارند، بهتر خواهن بود. نظامیان بهتر مذاکره را بلد هستند، چراکه با شجاعت و اقتدار و عزت پای میز مینشینند و ترس و لرزی ندارند.

این نماینده اصولگرای مجلس با طرح این سوال مگر مشکلات بزرگ شهر تهران به دست چه کسی حل شد و تحولات گسترده پایتخت در دوران چه کسی رقم خورد، گفت: تمام مشکلات تهران در دوران همان فردی که بهش لقب سرهنگ داده بودند، حل شد. اگر نظامیان نمی‌توانند موفق باشند، پس چرا قبلی‌ها و بعدی‌ها نتوانستند مشکلات شهر تهران را حل کنند یا تحولاتی را رقم بزنند؟

وی در پاسخ به این پرسش که آیا ورود نظامیان با سخنان امام(ره) مبنی بر ضرورت عدم ورود نظامیان به سیاست تضادی ندارد، گفت: متاسفانه برخی سخنان امام(ره) را آن طوری که دوست دارند، تعبیر و تفسیر می‌کنند. منظور امام(ره) این نبود که افراد نظامی نمی‌توانند نامزد بشوند یا برخی موضوعاتی که بعضا از زبان برخی‌ها می‌شنویم. فراموش نکنید که یک رییس جمهور نظامی به معنای آن نیست که دولت یا حکومت نظامی شود.

عزیزی در پاسخ به این پرسش که آیا ورود یک چهره نظامی به انتخابات و حمایت یا عدم حمایت جریان‌های سیاسی از او باعث نمی‌شود تا در آینده آن نهاد نظامی به آن جریان سیاسی نزدیک یا از آن فاصله بگیرد، تصریح کرد: من موافق نیستم و این مقایسه و تفسیر را کاملا باطل می‌دانم.

وی افزود: شما به تخصص‌های لازم برای ریاست جمهوری اشاره کردید ولی من می‌خواهم بپرسم که آیا آقای روحانی که خودش را حقوق‌دان می‌داند، اقتصاد و عمران بلد بود؟ بدتر اینکه همین آقای حقوق‌دان هم برجام را به عنوان یک فاجعه پذیرفت. من تصور می‌کنم، کسانی که دنبال رشد و عزت و اقتدار ایران نیستند، این حرف‌ها را می‌زنند. وگرنه سوابق نظامیان در عرصه اجرایی مشخص است. عملکرد آقای قالیباف در تهران یک کارنامه درخشان است.

این عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجه با اشاره به وزارت رستم قاسمی به عنوان یک چهره نظامی در وزارت نفت، گفت: بهترین دوران فروش نفت را ما در دوره آقای قاسمی داشتیم. همان پالایشگاه‌ها و تاسیسات نفتی و پتروشیمی‌ها که امروز به آن می‌نازند، ماحصل دوران آقای قاسمی است. مگر امروز جز خاتم الانبیا کس دیگری در ایران پروژه‌های بزرگ عمرانی انجام می‌دهد. چرا یک عده نگران حضور نظامیان هستند؟

رئیس جمهورِ زن یک فرصت برای نظام نه فرصت‌سوزی

ادامه از صفحه یک

البته در این چندماه باقی مانده تا انتخابات ۱۴۰۰، اعضای شورای نگهبان نظرات خود را درباره رئیس جمهوری زنان بیان کردند. در این میان سخنگوی شورای نگهبان به ظاهر مخالفتی با این موضوع ندارد اما آقای خاتمی به صراحت مخالفت خود را با این امر اعلام کرد. فقهای شورای نگهبان، مجتهد و صاحب نظر بوده و نظرشان حجت است. اگر تمامی اعضای شورای نگهبان به این نتیجه برسند که حضور زنان برای کاندیداتوری در انتخابات ریاست جمهوری، منع قانونی ندارد، آن زمان حضور زنان معنای واقعی پیدا خواهد کرد. بنابراین، اگر مخالفتی در این زمینه صورت بگیرد، از لحاظ فقهی، حق اظهار نظر وجود ندارد.

با این وجود، اگر تصور شود که شورای نگهبان با رئیس جمهور شدن زنان موافق است، بحث رای‌دهی مطرح می‌شود. در بحث وزارت، زنان اجازه وزیر شدن پیدا کردند، منتهی رای دادن به کاندیدای ریاست جمهوری، باب بحث دیگری را باز می‌کند.

جامعه ما باید به بلوغی برسد که ظرفیت‌های نظام را ببیند، زنان را نیز جزو ظرفیت‌های نظام تلقی کند و این فرصت را هر چند یک بار، در اختیار زنان قرار دهد. چه اشکالی دارد اگر مردم به این نتیجه برسند که در این دوره می‌توان از ظرفیت زنان به عنوان رئیس جمهور استفاده کرد؟

تا به امروز و در دهه چهارم انقلاب، تنها زن از جامعه زنان به مقام وزارت رسیده است. با تمامی این اوصاف، هنگامی که بحث رای‌گیری مطرح می‌شود، زنان باید با خودباوری، حضور پیدا کنند چرا که آنان نیمی از جامعه را زنان تشکیل می‌دهند. بنابراین، حداقل خود زنان، همدیگر را قبول داشته و به هم فرصت اثبات توانمندی‌های خود را بدهند. مردم باید این توانمندی‌ها را باور کنند تا رای بدهند.

دموکراسی یعنی همین! فرد توانمندی در خود ببیند، کاندیدای انتخابات شده، برنامه‌ای ارائه دهد و در مناظره‌های تلویزیونی، استراتژی را تنظیم و سخنی برای گفتن داشته باشد. اگر مردم استقبال کرده و رای دادند، رئیس جمهور شود اگر رای نیاورد هم که دیگر بحثش جداست.

بحث بسیار مهمی که بالاتر به آن اشاره شد، این است که خود زنان، توانمندی زنان را باور کنند و خودشان را دست کم نگیرند. اگر به عملکرد مردان نگاه کنید، با آزمون و خطاهای بسیار به این مرحله رسیده‌اند. انتظار می‌روند که زنان نیز مانند مردان، توانایی هم‌جنس خودشان را دست کم نگیرند و به آن باور داشته باشند. قطعا در حوزه‌هایی، زنان علیه زنان شکل می‌گیرد. پس باید در راستای مجاب کردن دیگران و تبلیغ درست، گام بردارند.

خبرآنلاین

اخبار

معاون اول رییس جمهور:

تامین واکسن کرونا مطالبه به‌حق مردم کشور است

ایلنا- اسحاق جهانگیری با تاکید بر اهمیت سلامت مردم کشور و ضرورت تامین واکسن و داروهای مورد نیاز جامعه، گفت: تامین واکسن کرونا یک مطالبه به‌حق از سوی جامعه است و این حق مردم است که انتظار داشته باشند دولت تمام ظرفیت‌های موجود را برای تامین واکسن کرونا و سایر داروهای مورد نیاز بکار گیرد.

معاون اول رییس جمهور تصریح کرد: لازم است دستگاههای ذیربط تمام ظرفیت و تلاش خود را بکار گیرند تا ضمن سرعت بخشیدن به روند تولید واکسن کرونا، اقدامات لازم را برای نهایی شدن قراردادهای پیش خرید این واکسن از سایر کشورها نیز انجام دهند.

جهانگیری با بیان اینکه مردم باید اطمینان داشته باشند که دولت پیگیری‌های لازم را برای تامین واکسن کرونا در دستور کار خود دارد، از وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و وزارت امور خارجه خواست، ضمن تلاش برای فراهم کردن بسترهای لازم جهت تولید واکسن کرونا در داخل کشور، با جدیت نسبت به برنامه ریزی و تکمیل اقدامات صورت گرفته جهت خرید واکسن کرونا خارجی تلاش کنند.

وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی همچنین با اشاره به تلاش‌های گسترده گروههای مختلف و شرکت‌های دانش بنیان برای تولید واکسن کرونا در داخل کشور، گفت: از میان شرکت‌های دانش بنیان، چهار شرکت پیشتاز هستند و یکی از این شرکتها مجوز مطالعه فاز انسانی واکسن کرونا را دریافت کرده است.

در این نشست همچنین راهکارهای تسریع در روند پیش خرید واکسن کرونا و نحوه تامین و انتقال ارز مورد نیاز مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت و مقرر شد دستگاههای ذیربط، تمام ظرفیت‌های موجود را برای خرید واکسن کرونا از کشورهای مختلف بکار گیرند.

تحلیل فعالی سیاسی از دوگانه اقتصاد و کرونا

ایسنا- صوفی گفت: رعایت پروتکل‌های بهداشتی و قرنطینه یک تکلیف است.

علی صوفی در گفت و گو با ایسنا، در ارتباط با ضرورت رعایت پروتکل‌های بهداشتی اظهار کرد: در هر جامعه‌ای حق و حقوقی برای مردم وجود دارد در مقابل تکالیفی هم بر عهده آنان قرار دارد. در جامعه امروز تمامی مردم می‌دانند که در چهاردیواری خود یک نوع حقوق و وظیفه دارند و در خیابان حقوق و تکالیفی دیگری بر عهده آنان است.

وی ادامه داد: در شرایطی که کشور در معرض خطر جدی اپیدمی کرونا است و جان تک تک مردم در خطر قرار دارد، سهل انگاری هر فرد به فاجعه جمعی تبدیل خواهد شد.

این فعال سیاسی اصلاح طلب خاطرنشان کرد: اگر دولت از مردم درخواست حفظ پروتکل‌ها را دارد برای حفظ جان خودشان است. حاکمیت دستخوش این اپیدمی قرار گرفته است اما بیش از آنکه رعایت پروتکل‌های کرونا امری سیاسی باشد یک امر اجتماعی است. کسب و کار مردم دچار مشکل شده و عزیزانشان از دست می‌روند؛ و تنها چاره برای بازگشت به شرایط عادی رعایت قرنطینه جمعی است.

وی همچنین گفت: کسانی که اهل گشت و گذار هستند باید قبول کنند در شرایط فعلی مجبور به رعایت محدودیت‌ها هستند. سال گذشته در اسفند و فروردین محدودیت‌هایی اعمال شد و مردم هم قبول کردند که باید آن پروتکل‌ها را رعایت کنند؛ تمامی این موارد منجر به کنترل بیماری شد.

صوفی گفت: در آن ایام دوگانه‌ای بین اقتصاد و سلامت ایجاد شد و همه چه دولت و چه مردم رعایت پروتکل‌ها را رها کردند. اما امروز می‌دانیم برای نجات جان مردم، نجات شرایط اقتصادی در بلند مدت و حفظ جامعه به رعایت پروتکل‌ها نیازمندیم. تا زمانی که واکسن واقعی در بازارها در اختیار مردم قرار بگیرد چاره‌ای جز رعایت قرنطینه و اصول بهداشتی نداریم.

اولتیماتوم جهت تعیین تکلیف کشت و صنعت مغان

سرخاب- اولتیماتوم رئیس کل دادگستری استان اردبیل به وزارت جهاد کشاورزی و شرکت مادر تخصصی شهرک‌های کشاورزی استان جهت تعیین هیئت مدیره و مدیر عامل برای شرکت کشت و صنعت و دامپروری مغان

به نقل از روابط عمومی دادگستری استان اردبیل، رئیس کل دادگستری استان اردبیل جهت تعیین هیأت مدیره و مدیر عامل شرکت کشت و صنعت و دامپروری مغان به وزارت جهاد کشاورزی و شرکت مادر تخصصی شهرک‌های کشاورزی استان اولتیماتوم صادر کرد.

ناصر عتباتی در این خصوص اظهار کرد: بعد از ظهر روز گذشته خبری مبنی بر خارج کردن تعداد ۶۰ راس دام سنگین از واحد دامپروری شرکت و شکر تولیدی منتشر گردید که بلافاصله با اعلام موضوع به دادستان مرکز استان، بررسی‌های دقیق صورت پذیرفته و ضمن صدور دستورات قضایی، اقدامات لازم معمول گردید.

رئیس کل دادگستری استان اردبیل اعلام کرد: پیرو پیگیری‌های صورت گرفته در چند روز گذشته مجدداً موضوع به مسؤولان وزارت جهاد کشاورزی خصوصاً رئیس شرکت‌های مادر تخصصی شهرک‌های کشاورزی و معاون وزیر جهاد کشاورزی منتقل و تأکید گردید که نسبت به تعیین اعضای هیأت مدیره و مدیر عامل متعهد و متخصص از سوی وزارت جهاد کشاورزی در اسرع وقت اقدام شود که اعلام نمودند ظرف سه روز آینده در این خصوص اتخاذ تصمیم خواهند نمود.

دور کشور دیوار نکشیم

برجام رشد اقتصادی را مثبت کرد

ایلنا- رییس کمیسیون پول و سرمایه اتاق بازرگانی تهران اظهار داشت: اگر ما بتوانیم با جامعه بین‌الملل ارتباط برقرار کنیم و تحریم‌ها برداشته شود به طور حتم روی اقتصاد ما تأثیر مثبت خواهد گذاشت. نمی‌شود دور خودمان دیوار بکشیم و هیچ ارتباطی با اقتصاد جهان نداشته باشیم.

فریال مستوفی در مورد تاثیر تحریم‌ها بر اقتصاد کشور اظهار داشت: در وضعیت فعلی تحریم‌ها حتما بر اقتصاد کشور موثر بوده‌اند اما کل مشکلات ما مربوط به تحریم‌ها نیستند بلکه بخش عمده آن مربوط به مشکلات داخلی هستند. با این حال تحریم‌ها مبادلات بانکی، واردات و صادرات ما را تحت تأثیر قرار داده و با مشکل مواجه کرده‌اند.

وی ادامه داد: درآمد اصلی کشور ما از طریق فروش نفت بود که به دلیل تحریم‌ها درآمد حاصل از آن به شدت کاهش داشته است. در سال‌های گذشته درآمد نفتی کشور به حدود ۱۰۰ میلیارد دلار می‌رسید اما سال گذشته این رقم حدود ۱۰ میلیارد دلار بود.

وی افزود: بنابراین تحریم‌ها تاثیر بسزایی در اقتصاد ما داشتند اما همه مشکل نبودند و مدیریت اقتصادی اثر بیشتری در مشکلات داشته‌اند. برای مثال در بخش اقتصاد کلان بیشتر مشکلات ما مربوط به مدیریت داخلی است.

رئیس کمیسیون پول و سرمایه اتاق بازرگانی تهران در مورد لزوم مذاکرات گفت: اگر ما بتوانیم با جامعه بین‌الملل ارتباط برقرار کنیم و تحریم‌ها برداشته شود به طور حتم روی اقتصاد

ما تأثیر مثبت خواهد گذاشت. نمی‌شود دور خودمان دیوار بکشیم و هیچ ارتباطی با اقتصاد جهان نداشته باشیم. برای مثال در سال ۲۰۱۶ وقتی برجام به نتیجه رسید و منعقد شد با وجود اینکه برداشته شدن تحریم‌ها به درازا نکشید و با روی کار آمدن آقای ترامپ دوباره تحریم‌ها بازگشت، رشد اقتصادی ما که پیش از برجام منفی ۵ درصد بود پس از منعقد شدن آن مثبت شد و دوباره با خروج آقای ترامپ از این معاهده، بار دیگر رشد اقتصادی کشور منفی شد. وی خاطرنشان کرد: در مورد تورم نیز همین طور است قبل از برجام کشور با تورم حدود ۲۶ یا ۲۷ درصدی مواجه بود در دوره‌ای که برجام منعقد شد تورم افت کرد و دوباره بعد از خروج آمریکا ما تورم بالای ۴۰ درصد را تجربه کردیم. تورم به این معنا است که ارزش پول کشور و همین‌طور ثروت افراد کمتر می‌شود و این مشکلات بسیاری را به دنبال دارد.

مستوفی با اشاره به تاثیر تحریم‌ها بر افزایش قیمت ارز تصریح کرد: به خاطر وجود تحریم‌ها کشور با کمبود ارز مواجه و باعث شد که قیمت ارز تا این حد افزایش یابد. متاسفانه از سویی هم به منابع ارزی کشورمان دسترسی نداریم.

انتقاد از محافظه‌کار بودن بانک‌ها

کاهش تعدیل نیروی کار با شیوع کرونا در آذربایجان‌شرقی

فارس- استاندار آذربایجان‌شرقی محافظه‌کار شدن بانک‌ها را یک آسیب جدی در مسیر فعالیت‌های مالی بخش تولید دانست و گفت: به نظر می‌رسد برخی برخوردهای قضایی و ورود دستگاه‌های نظارتی، عامل این امر بوده است که صدمات فراوانی به حمایت از تولید و کارآفرینی می‌زند.

محمدرضا پورمحمدی در دیدار رئیس هیأت مدیره بانک توسعه تعاون با وی، به فعالیت پنج هزار واحد تولیدی و صنعتی در استان اشاره کرد و اظهار داشت: با وجود این حجم از فعالیت اقتصادی و تولیدی، میزان فعالیت و سرمایه‌گذاری بانک‌ها در آذربایجان‌شرقی، زیبنده جایگاه و نام این استان نیست.

آذربایجان‌شرقی پایتخت تولید شیرینی و شکلات کشور

وی با بیان اینکه آذربایجان‌شرقی دروازه ورود به بازار ۳۵۰ میلیون نفری اوراسیا است، افزود: ۳۵ درصد قطعات خودروی کشور در این استان تولید می‌شود؛ آذربایجان‌شرقی پایتخت تولید شیرینی و شکلات کشور است و وجود شهرک‌های صنعتی متعدد به ویژه

شهرک سرمایه‌گذاری خارجی با ۴۰ درصد سرمایه‌گذار خارجی از دیگر ظرفیت‌های استان است.

پورمحمدی ادامه داد: در کنار حمایت از اشتغال، ورود بانک‌ها در حوزه سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها نیز بسیار ارزشمند و حائز اهمیت است و زیرساخت‌های محوری از جمله راه، راه آهن و صنایع پایه از جمله فولاد باید بیشتر مورد توجه قرار گیرد.

میزان نرخ بیکاری در آذربایجان‌شرقی را ۹ درصد

وی، میزان نرخ بیکاری در آذربایجان‌شرقی را ۹ درصد اعلام کرد و اذعان داشت: پایین بودن نرخ بیکاری نه به خاطر شرایط خوب استان از لحاظ اشتغال، بلکه بیشتر به خاطر مهاجرت نیروی کار از استان است.

پورمحمدی همچنین به میزان صادرات غیرنفتی استان اشاره و تصریح کرد: امسال میزان صادرات غیرنفتی آذربایجان‌شرقی نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۴۲ درصد افزایش داشته و با وجود شیوع کرونا میزان تعدیل نیروی کار در استان نیز نسبت به مدت مشابه سال گذشته کاهش یافته است.

اخبار

با گذشت ۴ سال از اتفاق تلخ جاده نیشابور؛

بازماندگان حادثه قطار تبریز-مشهد چشم انتظار محاکمه مقصران آن هستند

همنوا- پس از گذشت ۴ سال از حادثه قطار تبریز-مشهد و جان باختن ۴۷ نفر از زائران آذربایجانی مشهد الرضا فعلا تکلیف این پرونده مشخص نشده و مردم همچنان منتظر محاکمه مقصران این حادثه هستند.

پنجم آذرماه سال ۱۳۹۵ در تقویم استان آذربایجان‌شرقی روز سیاهی است؛ چراکه خبری کوتاه و تلخ در خروجی‌های خبرگزاری های کشور قرار گرفت که از برخورد دو رام قطار مسافربری تبریز-مشهد به شماره ۴۸۰ و سمنان-مشهد به شماره ۳۹۴ و حریق گسترده در دو واگن حکایت داشت.

در پی برخورد دو قطار، چهار واگن از ریل خارج و پنج واگن نیز دچار حریق شدند. در این حادثه ۴۷ نفر جان باختن و ۱۰۳ نفر نیز مصدوم شدند. این حادثه یکی از مرگبارترین حوادث ریلی در ایران پس از حادثه قطار نیشابور به شمار می‌رود.

برخورد قطار مسافری تبریز- مشهد به قطار مسافری دیگری که حامل زائران آذربایجانی بود که از اربعین برگشته و به منظور شرکت در مراسم شهادت امام رضا(ع) عازم مشهد بودند، صحنه‌های هولناکی از دود و آتش را در این روز ثبت کرد.

حدود ۴۸ ماه از حادثه دلخراش ریل‌های سرد و برخورد قطارهای مسافری در محور سمنان–دامغان در حوالی «ایستگاه هفتخوان» گذشته و هنوز سرانجام پرونده این سانحه مشخص نشده است.

در ۱۴ آبان سال گذشته، رئیس کل دادگستری آذربایجان‌شرقی گفت: رئیس قوه قضائیه دستور داد که پرونده حادثه قطار تبریز-مشهد سریعا به جریان افتاده و نتیجه اعلام شود.

اما هنوز خبری از محاکمه متهمان این پرونده نیست. در گزارش سازمان بازرسی، هرم مسئولیت مقصران حادثه قطار تبریز-مشهد به روسای قوا و مسئولان قضایی ارائه شده بود که نام وزیر سابق راه و شهرسازی کشور در راس این هرم بود.

احمد علیرضا بیگی نماینده مردم تبریز در مجلس شورای اسلامی گفت: مقصر این حادثه وزیر راه و شهرسازی وقت شناخته شد. این پرونده ۲ بخش دارد که بخش اول این پرونده پرداخت دیه به اولیای دم عزیزان فوت شده در این حادثه بود که میسر نشد و بخش دوم این پرونده در بحث رسیدگی به تخلفات عمومی این حادثه بود که در دادسرای عمومی و انقلاب تهران در حال بررسی است.

او با اشاره به اینکه البته مقصر حادثه تنها آخوندی وزیر راه و شهرسازی وقت نیست، ادامه داد: به نظرم جریانی وجود داشت که آن زمان ترجیح داد مجلس دهم شاهد قرائت حادثه نباشد و بررسی ابعاد این حادثه از دستور کار مجلس وقت خارج ش.

این نماینده مجلس اضافه کرد: این حرکت از سوی نمایندگان مجلس سابق، دهن کجی به نمایندگان مجلس و مردم آذربایجان بود.

حال پس از گذشت ۴ سال از این اتفاق، حادثه قطار تبریز-مشهد بازهم در اذهان مردم آذربایجان زنده است و مردم زیان دیده از این اتفاق برای التیام دردشان خواستار مجازات و محاکمه مقصران این حادثه تلخ هستند.

چرا گرانی به یکباره سراغ اقلام اساسی رفت؟

تخم مرغ هم گرفتار مشکل بازار مرغ شد!

باشگاه خبرنگاران جوان - همواره این سوال برای مردم مطرح است که چرا اقلام اساسی که نرخ ارز واردات نهاده های آن ها تغییر می کند یکباره و حتی یک شبه گران می شوند.

طی هفته های اخیر، اقلام اساسی سبد خانوار یکی پس از دیگری برای جا نماندن از قافله گرانی ها با شیب تند قیمت رو به رو شد که این موضوع دهک های ضعیف جامعه را بیش از پیش در تامین مایحتاج خود دچار مشکل کرده است.

با ایجاد تنش و افزایش قیمت بی سابقه در بازار محصولات پروتئینی، طی روزهای اخیر هر یک از مسئولان و فروشندگان دلایل خاص خود را برای این‌گرانی ها مطرح می کنند، اما آنچه حائز اهمیت است گرانی های پی در پی مایحتاج سبد خانوار در شرایط فعلی شیوع ویروس کرونا و تعطیلی کسب و کارها امکان خرید را از بسیاری از اقشار ضعیف جامعه سلب کرده است. این درحالی است که کارشناسان تغذیه بر افزایش ایمنی بدن و مصرف پروتئین، سبزی و میوه تاکید دارند.

بسیاری از مسئولان بر این باورند که کمبود نهاده دامی با نرخ مصوب و تامین بخش عمده ذرت و کنجاله از بازار آزاد در کنار سایر هزینه های تولید زمینه را برای تنش و التهاب قیمت در بازار محصولات پروتئینی فراهم کرده است که این روند تا زمان تامین ۱۰۰ درصدی نهاده مورد نیاز با نرخ مصوب وجود دارد چرا که اختلاف چند برابری نرخ مصوب نهاده های دامی با بازار آزاد، زیان قابل توجهی برای مرغداران و دامداران ایجاد کرده است.

بررسی ها از سطح بازار نشان می دهد که قیمت هر کیلو مرغ گرم ۳۵ تا ۳۸ هزار تومان، سینه ۷۰ هزار تومان، فیله ۸۰ هزار تومان، شقه گوسفندی ۱۲۰ هزار تومان، راسته گوسفندی ۱۴۰ هزار تومان، سردست گوسفندی ۱۵۰ هزار تومان، شقه گوساله ۱۱۰ هزار تومان، راسته گوساله ۱۳۰ هزار تومان، سردست گوساله ۱۴۰ هزار تومان و هرشانه تخم مرغ ۳۳ تا ۳۸ هزار تومان است، هر چند در میادین میوه و تره بار و انتظار صف های طولانی مرغ با نرخ مصوب عرضه می شود.

حال به سراغ مسئولان ذی ربط می رویم تا از آخرین دلایل افزایش قیمت محصولات پروتئینی سبد خانوار و راهکارهای مهار این گرانی ها با خبر شویم:

سوء استفاده برخی مغازه داران بر گرانی گوشت دامن زد

منصور پوریان رئیس شورای تامین کنندگان دام کشور در گفت و گو با خبرنگار صنعت، تجارت و کشاورزی با اشاره به اینکه مشکلی در تولید گوشت قرمز نداریم، اظهار کرد: در شرایط فعلی تولید گوشت قرمز به حدی افزایش یافته که به سبب انباشت دام در واحدهای دامداری، نگران مازاد تولید روی دست دامداران هستیم.

وی از کاهش قیمت خرید دام از دامدار خبر داد و گفت: نرخ کنونی هر کیلو گوساله ۳۴ تا ۳۵ هزار تومان و گوسفند ۴۰ تا ۴۲ هزار تومان است که با این وجود قیمت منطقی هر کیلو گوشت گوساله ۹۰ تا ۹۵ هزار تومان و گوشت گوسفند ۱۰۰ هزار تومان است.

پوریان با انتقاد از گران فروشی گوشت در سطح بازار بیان کرد: در حال حاضر دامداران با کمترین سود مشغول فروش دسترنج خود هستند که متاسفانه به سبب کم کاری برخی دستگاه ها شاهد گران فروشی هستیم که با این وجود بسیاری از خانوارها توان خرید را ندارند.

این مقام مسئول با بیان اینکه ۱۸۰ هزار راس گوساله پرواری آماده عرضه در دامداری هاست، گفت: علی رغم شرایط مساعد تولید و رسیدن وزن دام‌ها به سطح مطلوب ۸۰۰ کیلوگرم، در سطح خرده فروشی ها به سبب عدم نظارت کافی دستگاه های ناظر شاهد گران فروشی هستیم.:

صادرات تاثیری در التهاب بازار داخل ندارد

ناصر نبی پور رئیس هیئت مدیره اتحادیه مرغ تخم گذار استان تهران در گفت و گو با خبرنگار صنعت، تجارت و کشاورزی با اشاره به اینکه بازار تخم‌مرغ تعریفی ندارد، اظهار کرد: هم اکنون متوسط نرخ هر کیلو تخم مرغ درب مرغداری ۱۲ هزار و ۵۰۰ تومان معادل شانه ای ۲۵ هزار تومان است.

وی افزود: با توجه به افزایش ۱۰ تا ۱۵ درصدی قیمت مصوب ذرت و کنجاله سویا، نرخ تمام شده تولید هر کیلو تخم مرغ به بالای ۱۶ هزار تومان رسیده است که هرچه سریع تر باید نرخ جدید اعلام شود.

نبی پور با انتقاد از نحوه توزیع نهاده با نرخ مصوب بیان کرد: طی ۲ ماه اخیر بسیاری از واحدهای کوچک مرغداری نهاده نگرفتند و برخی دیگر از واحدها ۱۰۰ درصد نهاده موردنیازشان را با نرخ مصوب تامین کردند.

این مقام مسئول نرخ کنونی هر کیلو ذرت در بازار آزاد را ۴ هزار و ۳۰۰ تا ۴ هزار و ۴۰۰ تومان و کنجاله سویا ۱۶ هزار تومان اعلام کرد و گفت: سایر نهاده های تولید که با ارز آزاد تامین می شوند، قیمت آنها هر ساعت در حال تغییر است.

وی ادامه داد: قیمت فسفات از ۲۵ هزار تومان به ۶۰ هزار تومان، مکمل از ۱۲ هزار به ۳۰ هزار تومان و متیونین به ۹۰ هزار تومان رسیده است که در افزایش هزینه های تولید تاثیر بسزایی دارد.

سخنگوی اتحادیه مرغداران میهن با اشاره به اینکه صادرات نقشی در التهاب بازار داخل ندارد، بیان کرد: بنابر پیش بینی ها قرار است روزانه ۱۰۰ تن تخم مرغ مازاد صادر شود که این میزان تاثیری در تنظیم بازار داخل ندارد.

وی تولید روزانه تخم‌مرغ را ۲ هزار و ۹۰۰ تا ۳ هزار تن اعلام کرد و گفت: با شرایط فعلی نهاده های دامی، اگر مرغداران مرغ ها را روانه کشتارگاه نکنند، با افت وحشتناک تولید در آینده مواجه خواهیم شد، در غیر این صورت تولیدکنندگان ناچارند به علت کمبود نهاده، خوراک غیرمرغوب را جایگزین کنند.

به گفته نبی پور، با توجه به افزایش نرخ مصوب نهاده های دامی، مرغداران در فروش هر کیلو مرغ ۴ هزار تومان متضرر هستند که با احتساب تولید تخم‌مرغ، زیان آنها به ۱۰ تا ۱۲ میلیارد تومان در روز می رسد.

رئیس هیئت مدیره اتحادیه مرغ تخم گذار درباره اینکه حذف ارز دولتی راه حل مناسبی برای تنظیم بازار و پایان دادن به رانت و فساد است یا خیر؟ بیان کرد: با حذف ارز دولتی چند سوال وجود دارد که آیا دولت ارز آزاد به میزان کافی دارد؟ با حذف ارز دولتی قیمت هر شانه تخم مرغ به ۷۰ تا ۸۰ هزار تومان می رسد که با این وجود خانوارها قدرت خرید ندارند و دولت برای ارتقای قدرت خرید انها باید کالا برگ توزیع کند.

نبی پور با اشاره به اینکه تولیدکننده در گرانی تخم مرغ در خرده فروشی ها نقشی ندارد، بیان کرد: خرده فروشی ها نظم خاصی ندارد و تعزیرات باید با آنها برخورد کند که متاسفانه دستگاه های مسئول سرنخ را گم کردند و تنها بر تولیدکننده فشار می آورند، اما تا افزایش نرخ مصوب، هر شانه تخم مرغ در میادین با نرخ مصوب ۱۲ هزار تومان عرضه می شود.

فروش مرغ بالای ۲۸ هزار تومان اجحاف در حق مصرف کننده

برومند چهارآیین عضو سابق هیئت مدیره کانون سراسری مرغداران گوشتی در گفت و گو با خبرنگار صنعت، تجارت و کشاورزی با اشاره به دلایل گرانی مرغ در بازار اظهار کرد: در ۵۰ روز گذشته به هیچ عنوان حتی یک قطعه جوجه وارد سالن های مرغداری نشد که همین امر زمینه را برای کمبود عرضه و افزایش قیمت در بازار رو به رو کرد.

وی افزود: هم اکنون متوسط نرخ هر کیلو مرغ زنده درب مرغداری ۲۲ تا ۲۳ هزار تومان و مرغ آماده به طبخ در خرده فروشی ها ۳۰ تا ۳۱ هزار تومان است.

چهارآیین ادامه داد: بنابر آمار تا پایان آبان حداکثر ۳۵ درصد کنجاله سویا و ۵۰ درصد ذرت با نرخ مصوب در اختیار مرغداران قرار گرفت که با توزیع ۵۰ درصدی ذرت و کنجاله در بین مرغداران، قیمت تمام شده هر کیلو مرغ زنده به ۱۹ تا ۱۹ هزار و ۵۰۰ تومان می رسد که با این وجود حداکثر قیمت هر کیلو لاشه باید ۲۸ هزار تومان باشد و فروش با نرخ های بالاتر اجحاف در حق مصرف کنندگان است.

این کارشناس صنعت طیور افزود: کوچکترین تصمیمات در صنعت طیور ۲ ماه آینده جواب می دهد و این گونه نیست که امروز با واگذاری ماموریتی از یک دستگاه به دستگاه دیگر نمی توان انتظار معجزه را داشت چراکه کوچکترین تصمیمات ۲ ماه آینده جواب می دهد.

عضو سابق هیئت مدیره کانون سراسری مرغداران گوشتی با اشاره به اینکه واگذاری مدیریت سامانه بازارگاه به وزارت جهاد کشاورزی کفایت نمی کند، بیان کرد: سامانه بازارگاه ابزاری است که ذرت و کنجاله سویا به طور مستقیم و بدون واسطه به دست تولیدکننده برسد، اما اگر ثبت سفارش یا تامین و ترخیص نهاده ها به موقع نباشد، وزارت جهاد به عنوان متولی امر کاری از دستش بر نمی اید.

وی نیاز حداقل ماهیانه کشور را ۱۰۰ میلیون قطعه جوجه ریزی اعلام کرد و گفت: با توجه به آنکه سن ۴۰ روزه برای تخصیص نهاده در نظر گرفته شده است، از این رو کاهش وزن ۲۵۰ تا ۳۰۰ گرمی بیانگر کاهش عرضه ۲۵ هزار تن مرغ زنده در طول ماه است که با توجه به کاهش قدرت خرید خانوار در پی شیوع ویروس کرونا و بیکاری گسترده همین میزان کفایت می کند.

این کارشناس صنعت طیور در پایان نرخ کنونی هر کیلو کنجاله سویا در بازار آزاد را ۱۷ هزار تومان و ذرت ۴ هزار تومان اعلام کرد و گفت: با توجه به اختلاف چندبرابری با نرخ مصوب، اگر ۱۰۰ درصد نهاده با نرخ مصوب تامین شود، طی ماه های آتی مشکلی در عرضه مرغ نخواهیم داشت.

نرخ هر کیلو شقه گوسفندی ۱۲۰ هزار تومان

علی اصغر ملکی رئیس اتحادیه گوشت گوسفندی در گفت و گو با خبرنگار صنعت، تجارت و کشاورزی، با اشاره به اینکه بازار گوشت رونقی ندارد، اظهار کرد: هم اکنون هر کیلو شقه گوسفندی بدون دنبه بسته به کیفیت ۱۰۵ تا ۱۰۸ هزار تومان به مغازه دار و با احتساب ۱۰ درصد سود ۱۱۵ تا ۱۲۰ هزار تومان به مصرف کننده عرضه می شود.

وی افزود: با توجه به تعطیلی ۲ هفته و تعطیلی صنوف از ساعت ۸ شب به بعد، بازار رونق چندانی ندارد.

ملکی با اشاره به اینکه کمبودی در عرضه دام وجود ندارد، بیان کرد: با توجه به نوسان نرخ نهاده های دامی، دامداران نسبت به این موضوع انتقاداتی دارند و بدیهی است که گرانی خوراک در نرخ تمام شده تولید تاثیر بسزایی دارد.

رئیس اتحادیه گوشت گوسفندی ادامه داد: بنابر تجربه سنوات گذشته در ۴ تا ۵ روز نخست ماه، خانوارها مایحتاج مورد نیاز خود را خریداری می کنند، اما تعطیلی اکثر صنوف و عدم درآمد بر میزان خرید تاثیر گذاشته است.

ملکی قیمت کنونی هر کیلو دام زنده را ۵۰ هزار تومان اعلام کرد و گفت: قیمت دام بسته به کیفیت ۱ تا ۲ هزار تومان پایین تر و بالاتر از این رقم هم عرضه می شود.

رئیس اتحادیه گوشت گوسفندی در پایان درباره آخرین وضعیت قاچاق دام تصریح کرد: بنابر آمار قاچاق دام تا حد زیادی کنترل شده است، اما از سمت مرزهای غربی نشتی وجود دارد چرا که گاها اختلاف چندبرابری قیمت دام، کوله بران را وسوسه می کند که ۱ تا ۳ راس دام را با خود ببرند چرا که قیمت کنونی هر دام در کشور ما ۲ میلیون تومان بوده، درحالیکه عرب ها آن سوی مرزها ۸ تا ۹ میلیون تومان پول بابت دام ایرانی می دهند

قصه «بودجه» و غصه «فرهنگ»

«بودجه فرهنگ» خرج «فرهنگ» نمی‌شود

درد بی‌عملی داریم نه بی‌پولی!

نیوشا روزبان

عماد افروغ جامعه‌شناس و کارشناس فرهنگی معتقد است که بودجه‌هایی که به فرهنگ اختصاص داده می‌شود، خرج مأموریت‌های محوله نمی‌شود.
«بودجه فرهنگی» از جمله چالش‌هایی است که دولت‌های مختلف در پایان هر سال درگیر آن هستند، بودجه‌ای که البته معمولاً در فرآیند بودجه‌بندی، مورد کم‌توجهی قرار می‌گیرد و در هر شرایط مواجهه با هر نوع کسری، اول از بودجه این بخش کسر می‌شود!
در کنار این مهجوری، مهمترین مساله‌ای که وجود دارد این است که بودجه فرهنگی از مدیریت درست هم برخوردار نیست و همان مبلغ اندکی که هرسال به فرهنگ و همه زیر شاخه‌های آن اختصاص داده می‌شود، به درستی مدیریت نمی‌شود و همین فقدان مدیریت صحیح مشکلات مضاعفی را نیز رقم زده است.
با عماد افروغ جامعه‌شناس و استاد دانشگاه که تجربه نمایندگی در دوره هفتم مجلس شورای اسلامی و ریاست کمیسیون فرهنگی در این دوره را داشته است، درباره فرهنگ و مدیریت بودجه آن در کشور به گفتگو نشستیم.
افروغ در بخشی از صحبت‌های خود تاکید می‌کند که اگر برخی مدعی هستند که بودجه فرهنگ کم است، باید از آن‌ها پرسید آیا بودجه‌ای که پیش از این به فرهنگ اختصاص داده شده، برای فرهنگ هزینه شده است یا خیر؟ وی در پاسخ به این سوال خود می‌گوید: شخصاً معتقدم بسیاری از بودجه‌هایی که تخصیص داده می‌شود، یا اصلاً خرج ماموریت‌های محوله نمی‌شود یا نظارت لازم بر نحوه صحیح هزینه کرد این بودجه‌های فرهنگی صورت نمی‌گیرد.
آنچه در ادامه می‌خوانید مشروح گفتگوی با عماد افروغ درباره «بودجه فرهنگی» است.

قبل از اینکه وارد بحث بودجه شویم، بهتر است کمی درباره فرهنگ و جایگاه فرهنگ در کشور صحبت کنیم؛ در حال حاضر بودجه فرهنگی به طور رسمی در کشور اعمال می‌شود، در راستای چه اهدافی است و از چه ساز و کارهایی استفاده می‌کند؟

احساس کلی، شهودی و تجربی من از فرهنگ این است که فرهنگی که در سطح کلان متناسب با ذات انقلاب اسلامی و رهایی بخش انسان از قید و بندهای اسارت بخش غیرفطری و غیر الهی باشد و انسان را از بردگی خود ساخته و دیگر ساخته نجات دهد، در کشور وجود ندارد. بلکه بالعکس این فرهنگ در سطوح مختلف، هم سلب اختیار و اراده از مردم می‌کند و هم به نوعی برده پرور و رعیت‌پرور است. یعنی آن شجاعت لازم که لازمه یک حیات سالم و بالنده اجتماعی است در آن به چشم نمی‌خورد.
یعنی اگر فرهنگ را به این برگردانیم که در نهایت، قابلیت‌های انسان را بارور کند و این بارور شدن بتواند بر حیات اقتصادی، سیاسی و حتی حیات روزانه اجتماعی او اثر گذار باشد، وجود ندارد. به عبارت دیگر، بیشتر نوعی «فرهنگ انقیاد» حکمفرماست تا یک فرهنگ معطوف به شجاعت و سرکشی و عصیان جهت‌دار که در واقع خودباوری را ارتقا دهد.
تعریفی که از فرهنگ به طور کلی بیان کردم باید در تمام جلوه‌های فرهنگی و هنری دیده شود، یعنی اگر فیلم سینمایی ساخته می‌شود یا یک برنامه فرهنگی توسط یک نهادی دنبال می‌شود، همه باید در جهت به فعلیت رساندن این قابلیت‌های فطری و الهی بشر باشد. این را باید در تمام جلوه‌ها و عرصه‌های فرهنگی شاهد باشیم. اما ما چنین امری را شاهد نیستیم.
نه تنها این مساله را شاهد نیستیم، بلکه شاهد عکس آن هستیم. در تمام حوزه‌هایی که ذیل فرهنگ تعریف می‌شود و حتی گاهی علم را نیز در زمینه فرهنگ تعریف می‌کنند، شاهد رعیت پروری هستیم، شاهد فرمالیسم و دوری از محتواگرایی هستیم؛ از شاخص‌های ارتقاء علمی و آموزشی کشور گرفته تا شاخص‌هایی که مربوط به فعالیت‌های دیگر فرهنگی اعم از هنری و غیره.
نه تنها این رویکرد غالب است، بلکه کسانی متصدی زمام فرهنگ هستند هم به لحاظ شخصی، همین مشی و رویکرد را دنبال می‌کنند. غالباً یک نگاه امنیت زده و سیاست زده به فرهنگ وجود دارد، و این نگاه در سابقه و کسوت شخصی افراد نیز مشهود است. غالباً مشاهده می‌کنیم که افرادی با سابقه سیاسی و امنیتی متصدی امور فرهنگی شده‌اند. نگاه امنیتی با نگاه فرهنگی متفاوت است، نگاه امنیتی یک نگاه محدود و بسته است، اما در نگاه فرهنگی، ما نیازمند جسارت و شجاعت و نوآوری و خلاقیت هستیم.
فرهنگ با حقیقت سر و کار دارد، با مصلحت سر و کار ندارد، با نگاه امنیتی سر و کار ندارد، شما به نهادهای مختلف فرهنگی نگاه کنید و ببینید که متولیان فرهنگ چه کسانی و با چه رویکردی هستند؟ آیا زبان حقیقت‌گوی و رک و صریح دارند و یا آن‌ها نیز اسیر مصلحت اندیشی هستند؟ زمانی که یک جامعه مصلحت‌اندیش شد و این مصلحت اندیشی به صورت کاذب از بالا به پایین توسط فرهنگ به جامعه تزریق شد، جامعه آزاد، مبتکر و خلاق نمی‌شود.

با این نگاه، در تمام این سال‌ها رویکرد کلان ما در حوزه فرهنگ چگونه قابل تحلیل است و فکر می‌کنید متولیان امر تا به امروز با چه سمت و سوی در حوزه فرهنگ اعمال مدیریت می‌کنند؟ بودجه فرهنگی تا چه اندازه در این فرآیند تعیین کننده بوده و هست؟

باید دید برنامه‌های فرهنگی در چه مسیری حرکت می‌کند، تا چه اندازه در خدمت انسان آزاداندیش است، تا چه اندازه در خدمت انسان عدالتخواه است و تا چه اندازه در جهت رفع نیازهای واقعی بشر است؟ بعد ببینیم که از طریق بودجه فرهنگی قرار است چه اتفاقی رخ دهد. چگونه بودجه مورد نظر و از طریق چه نهادهایی باید تخصیص پیدا کند. آیا در تخصیص این بودجه و هزینه کرد این بودجه نظارت هست یا خیر؟
بنابراین بنده سلسله مراتبی از مشکلات را می‌بینم، هم مشکلات رویکردی و معطوف به اهداف را می‌بینم، هم برنامه‌ای که قرار است ذیل این اهداف و رویکردها تعریف شود را می‌بینم، هم عدم نگرش سیستماتیک و منظومه‌ای در تقسیم این بودجه متناسب با آن برنامه و رویکرد می‌بینم و هم فقدان نظارت را می‌بینم.
اگر مدعی هستند که بودجه فرهنگ کم است، باید پرسید آیا بودجه‌ای که پیش از این به فرهنگ اختصاص داده شده، برای فرهنگ هزینه شده است یا خیر؟ این بسیار مهم است. باید جامعه هدف بودجه‌های فرهنگی اصالت داشته باشد نه نهادهای فرهنگی خاصی که تخصیص بودجه غالباً به آن‌ها تعلق گرفته است. زمانی که اهداف آن‌ها و جامعه مخاطب آن‌ها هدف اصلی باشد، در راستای سنجش کارنامه نهادهای فرهنگی به ما بگویند وضعیت جامعه ما فرهنگی‌تر و اخلاقی‌تر و معنوی‌تر شده است یا خیر؟ اگر خیر، که متأسفانه باید بگویم خیر، معلوم است که این بودجه‌ها یا خرج فرهنگ نشده و یا در واقع خرج یک فرهنگ غلط شده است. آیا این اخلاقی است که بودجه‌ها را هدر دهیم؟ آیا این خود یک نگاه فرهنگی غلط نیست؟ آیا درست و فرهنگی است که بودجه فرهنگی را به افراد و نهادهایی تخصیص دهیم که خرج مسائل دیگر کنند و یا خرج فرهنگی کنند که بیش از آنکه رهایی بخش باشد اسارت بخش باشد.
شخصاً معتقدم بسیاری از بودجه‌هایی که تخصیص داده می‌شود، یا اصلاً خرج ماموریت‌های محوله نمی‌شود یا نظارت لازم بر نحوه صحیح هزینه کرد این بودجه‌های فرهنگی صورت نمی‌گیرد. این تجربه بنده در چند جایی است که حضور داشته و یا حضور دارم. می‌بینیم که یکی از مسائلی که حتی خودشان هم طرح می‌کنند این است که آن بودجه‌ای که به امور فرهنگی تخصیص داده شده خرج امور فرهنگی نشده است و هیچ شخص و نهادی نیز در این زمینه نظارت ندارد که بگوید چرا خرج چیز دیگری شده است و چرا این بودجه را به این نهاد اختصاص می‌دهید؟
باید نهادی باشد که بر بودجه‌های فرهنگی اعمال نظارت کند یعنی یک نهاد اجرایی، نه آن نهاد اصلی مربوط به تخصیص بودجه، یعنی سازمان برنامه و بودجه که نوعاً نظارتی ندارد. اگر قرار باشد که نگاه منظومه‌ای و سیستماتیک به فرهنگ شود، حتماً باید نهادی هم وجود داشته باشد که نظارت جدی‌تری بر اختصاص بودجه‌های فرهنگی داشته باشد و بتواند بودجه را بالا و پایین کند. بنده حسب عضویتم در شورای فرهنگ عمومی پیشنهاد دادم که تخصیص و نظارت بر بودجه فرهنگی سازمان‌ها و نهادهای عضو شورا و در قلمرو شرح وظایف این نهاد برعهده خود شورای فرهنگ عمومی و دبیرخانه آن باشد.
مگر ما چقدر بودجه در اختیار داریم؟ از یک طرف گله مند هستید که بودجه آن چنانی نداریم، از طرف دیگر همین پولی هم که دارید بهینه و درست خرج نمی‌کنید.

اصولا برای داشتن یک مدیریت درست، نیازمند نظارت یک نهاد بالادستی هستیم، کمیسیون فرهنگی مجلس که سابقه عضویت و ریاست آن را هم دارید، در این مورد تا چه اندازه می‌تواند مطالبه‌گر باشد؟ اساساً مطالبه اصلی در حوزه مدیریت بودجه فرهنگی، ناظر به دولت باید باشد یا مجلس؟

اگر وظایف مکتوب کمیسیون فرهنگی را بررسی کنیم، می‌بینیم که این کمیسیون یک سری وظایف قانون گذاری و نظارت دارد. اما همین که بخواهیم شرح وظایف این کمیسیون را در عمل دنبال کنیم با انواع و اقسام لابی‌ها و موانع روبرو می‌شویم. درد ما بخش مکتوبات و نوشته شده‌های مربوط به شرح وظایف دستگاه‌ها نیست، مربوط به موانع آشکار و غیر آشکار موجود است. یعنی زمانی که برای مثال و بر اساس وظیفه قانونی خود یک تحقیق و تفحص از یک نهاد فرهنگی را کلید بزنید با انواع و اقسام موانع و لابی‌ها روبرو می‌شوید. در حالی که اصل تحقیق و تفحص هم یک امر قانونی و هم مرتبط با یک زندگی سالم است. یک جایی سوال دارید و این سوال را از طریق تحقیق و تفحص دنبال می‌کنید و بعد آن دستگاه مرتبط هم پاسخ می‌دهد. اما به محض اینکه اسم تحقیق و تفحص می‌آید، انواع و اقسام موانع و لابی‌ها مطرح می‌شود.
وظیفه کمیسیون فرهنگی مجلس این است که بدون هیچ لابی و تعارفی نظارت خود را اعمال کند. البته کج سلیقگی هم نکند، باز و منعطف باشد و برخورد جناحی نیز نداشته باشد. اینها مسائلی است که هم از آرزوهای ما است و هم قواعد تعریف شده یک جامعه سالم است.
باید بگویم که متاسفانه ما ضعف نظارت داریم. یعنی اگر برای نمونه کمیسیون فرهنگی شجاعانه و مدبرانه وسط میدان می‌آمد و بر تخصیص و هزینه کرد بودجه‌های فرهنگی نظارت مستمر و فعال می‌کرد بسیاری از مسائل فرهنگی ما حل می‌شد. اگر سازمانی در طول سال مشمول نظارت ما بوده و کار شایسته‌ای انجام نداده و بودجه را به طور صحیح هزینه نکرده، چرا باید به آن نهاد دوباره بودجه تخصیص داد؟ به یاد دارم زمانی که در مجلس هفتم بودم، در سال آخر نمایندگی‌ام که مسئولیتی هم در کمیسیون فرهنگی نداشتم، قبل از اینکه رهبری از مظلومیت فرهنگ بگویند، برخی از دوستان در کمیسیون فرهنگی طرح انحلال برخی از سازمان‌های فرهنگی را دنبال می‌کردند، اما به محض اینکه رهبری بحث مظلومیت فرهنگ را مطرح کردند، این افراد ذهنش به سمت بودجه رفت و برای همان سازمانی که به دنبال انحلالش بودند بودجه کلانی را درخواست کردند!
بنده در صحن علنی مجلس با آن مخالفت کردم. بحثم هم این بود که چرا مظلومیت فقط با بودجه برطرف شود؟ مشکل تنها بودجه نیست، بلکه برنامه و فکر و ذهنیت است. شما می‌خواستید آن سازمان یا نهاد را منحل کنید و درخواست انحلال آن را داشتید حالا درخواست بودجه مضاعف را دارید؟ این درست نیست و دردناک است. یک نماینده مجلس یا کمیسیون فرهنگی باید یک ویژگی‌هایی داشته باشد. من حق را به شما می‌دهم، یعنی یکی از نهادهای نظارتی ما کمیسیون فرهنگی مجلس است. برای مثال همین کمیسیون فرهنگی وقتی تحقیق و تفحصی را کلید می‌زند و در نهایت به جایی ارجاع می‌شود، چرا نهادهای دیگر مانند قوه قضاییه پیگیری نمی‌کنند؟ یا چرا مجلس و یا رییس مجلس نتیجه این تحقیق و تفحص را دنبال نمی‌کند و به مراکز ذیربط ارجاع نمی‌دهد. در واقع باید گفت که یک اشکال سیستماتیک وجود دارد یعنی ممکن است یک شخص و یا نهادی درست عمل کند و شجاعت لازم را داشته باشد، اما بقیه حلقه‌های متصل و مرتبط با این حلقه، خوب و به درستی ایفای نقش نکنند.

با توجه به نکاتی که مطرح کردید و از آنجایی که در آستانه ارائه آخرین بودجه سال، از سوی دولت آقای روحانی هستیم، عملکرد این دولت را در زمینه مدیریت فرهنگ چگونه ارزیابی می‌کنید و نکته‌ای درباره وضعیت فرهنگ در بودجه سال آینده دارید؟

من در حال حاضر مسئولیتی ندارم و چندان هم از شرایط اطلاعی ندارم. یک مسئولیت به عنوان شخصیت حقیقی و فرهنگی در شورای فرهنگ عمومی دارم، و یک تجربه هم از عضویتم در شورای پروانه نمایش در گذشته دارم. تجربه عضویت بنده در شورای فرهنگ عمومی این است که این شورا در اوایل عضویتم، مصوبه نداشت، یعنی اعضا می‌آمدند و بحث می‌کردند اما هیچ مصوبه‌ای نداشتند و در نهایت به هیچ جمع‌بندی نمی‌رسیدند. با تغییر و تحولی که در دو سال گذشته صورت گرفته است شاهدیم که هم مصوبه و هم تقسیم کار و تعیین وظایف دستگاه‌های عضو دارند. اما همانند گذشته هنوز عمل نداریم.
یعنی این مشکل تنها برای شورای فرهنگ عمومی نیست و مربوط به کل کشور است. نهایت تلاش کشور این است که به یک سند برسد و زمانی که به سند رسید کار تمام می‌شود. این در حالی است که سند مقدمه عمل است و ما درد بی عملی داریم و درد بی عملی تنها در فرهنگ نیست، بلکه در سیاست، اقتصاد و... نیز هست. بماند که در سندنویسی نیز اگر به عمل توجه می‌شد، امکان و توان عملیاتی شدن آن بالا می‌رفت. وقتی سند را ذهنی می‌نویسید و با زبان صرف دلیل می‌نویسید و به علت و چگونگی‌ها و فعل و انفعالات اجتماعی بی‌توجه هستید مسلم است که امکان عملیاتی شدن آن تقلیل می‌یابد. بگذریم، درد ما این است که اگر سندی نوشته می‌شود به عملی شدن این سند توجه نمی‌شود.
درد امروز فرهنگ و هنر ما امنیت زدگی و سیاست زدگی است. وقتی زمام امر فرهنگی را به یک امنیت زده و سیاست زده می‌دهید تمام تلاشش این خواهد بود که دیگران سیاسی نشوند. آدم امنیتی و سیاست زده دوست ندارد دیگران سیاسی شوند و برخلاف تصور و ظاهر که به نظر می‌رسد این آدم‌ها بخواهند دیگران سیاسی شوند، در واقع، سد محکمی در برابر سیاسی شدن مردم هستند

> **درد امروز فرهنگ و هنر ما امنیت زدگی و سیاست زدگی است. وقتی زمام امر فرهنگی را به یک امنیت زده و سیاست زده می‌دهید تمام تلاشش این خواهد بود که دیگران سیاسی نشوند. آدم امنیتی و سیاست زده دوست ندارد دیگران سیاسی شوند و برخلاف تصور و ظاهر که به نظر می‌رسد این آدم‌ها بخواهند دیگران سیاسی شوند، در واقع، سد محکمی در برابر سیاسی شدن مردم هستند**

زدگی است. وقتی زمام امر فرهنگی را به یک امنیت زده و سیاست زده می‌دهید تمام تلاشش این خواهد بود که دیگران سیاسی نشوند. آدم امنیتی و سیاست زده دوست ندارد دیگران سیاسی شوند و برخلاف تصور و ظاهر که به نظر می‌رسد این آدم‌ها بخواهند دیگران سیاسی شوند، در واقع، سد محکمی در برابر سیاسی شدن مردم هستند
جای دیگری که من تجربه داشتم تجربه تلخی بود. تجربه تلخ من این بود که متاسفانه شاهد بودم که منافع اقتصادی و امنیت زدگی عده‌ای حاکم بر فرهنگ شده است. یعنی شما اگر بخواهید ادای وظیفه کنید و وقت بگذارید، با مانع روبرو خواهید شد. باید باری به هر جهت و بی تفاوت و انطباق گرانه برخورد کنید، در غیر این صورت باید فرار را بر قرار ترجیح دهید و مدام خود را ملامت کنید که چرا اصولاً این حضور و عضویت را پذیرفتم.
به هر حال، حسب چارچوب تعریف شده هر فیلمی که بخواهد اجازه نمایش بگیرد باید در این شورا به نمایش درآید و بحث و فحصی ضابطه مند درباره آن صورت گیرد. یعنی از بالا نباید اعمال اراده و سلیقه شود، حتی وزیر. البته این هم تعریف شده است که اگر شورای پروانه نمایش به یک اجماع نظر نرسید، حسب سازوکار تعریف شده می‌تواند به شورای بالاتری ارجاع شود. اما نباید بدون دنبال کردن این فرایند و سازوکار تعریف شده آن اعمال نفوذهایی صورت گیرد.
قبل از اینکه وارد این شورا شوم مصاحبه کردم و گفتم حق وتوی هیچ کسی را نمی‌پذیریم مگر تصمیم جمعی آن جمع. بعضاً از کارگردانان نیز دعوت می‌کنیم تا حرف‌های خود را بزنند. این روال نیز دنبال می‌شد. اما اینکه با تغییر معاونت بلافاصله خارج از این چارچوب بخواهند فیلم‌هایی را تایید کنند با مخالفت من روبرو شد. در زمان ما درباره یکی از فیلم‌های سینمایی به این جمع بندی رسیدیم که اکران خاص شود اما دفعتا، پس از عدم عضویتم در این شورا متوجه شدم این فیلم اکران عمومی شد. در گفتگویی اشاره کردم که یکی از آخرین مصوبات ما مربوط به چگونگی نمایش این فیلم بوده است. اگر مصوبه تغییر کرده باید توسط اعضای جدید صورت گرفته باشد و البته اعضای جدید هم باید این حق را داشته باشند که مصوبه قبلی را تغییر دهند. با اعضای جدید هم که صحبت کردم گفتند که با ما هم صحبت نشده است. اسم این شیوه از فعالیت، آن هم در عرصه فرهنگ چیست؟
درد امروز فرهنگ و هنر ما امنیت زدگی و سیاست زدگی است. وقتی زمام امر فرهنگی را به یک امنیت زده و سیاست زده می‌دهید تمام تلاشش این خواهد بود که دیگران سیاسی نشوند. آدم امنیتی و سیاست زده دوست ندارد دیگران سیاسی شوند و برخلاف تصور و ظاهر که به نظر می‌رسد این آدم‌ها بخواهند دیگران سیاسی شوند، در واقع، سد محکمی در برابر سیاسی شدن مردم هستند. یعنی سیاست زدگی مساوی است با سیاست زدایی.
در چنین شرایطی چه فیلم‌هایی اجازه اکران می‌گیرند؟ فیلم‌های که مردم را نسبت به سرنوشت اساسی خودشان بی تفاوت کنند. فیلم‌های ی که مشغولیاتی برای مردم باشد. طنزهای لوده‌ای اجازه اکران می‌یابند که هیچ کمکی به قابلیت‌ها انسانی نمی‌کنند و تنها جیب مردم را خالی می‌کنند. این فیلم‌هایی که اخیراً و البته غالباً قبل از کرونا و به نام طنز و کمدی اکران شدند از چه وزانتی برخوردار بودند؟ فیلم‌هایی که بعضاً لودگی را به نهایت خود رسانده بودند. این فیلم‌ها در زمان چه کسانی و چه معاونت و چه اشخاصی اجازه اکران گرفته‌اند؟ زمانی که بنده در شورای پروانه نمایش بودم خیلی از این فیلم‌ها را امضا نمی‌کردم چرا که شرافتم اجازه امضای پروانه نمایش این دسته از فیلم‌ها را نمی‌داد. برخی از این فیلم‌ها در قد و قواره یک حیات سالم اجتماعی نیستند و تنها جیب مردم را خالی می‌کنند. اگر انسان‌ها سیاسی شوند مطالبه گر می‌شوند. این درس مهمی است، شما نمی‌خواهید مردم مطالبه‌گر باشند. کماکان می‌خواهید وضع موجود حفظ شود، تغییر و تحولی رخ ندهد، منافع تداوم داشته باشد. این امر یک قصه نیست و من برای آن شاهد دارم.
نمی‌فهمند که انسان فرهنگی یعنی چه کسی؟ اصولا انسان فرهنگی و برخورد فرهنگی یعنی چه؟ اینها حداقل‌های قواعد فرهنگی و اخلاقی را پاس نمی‌دارند. چرا که برخی از آنها اصولاً انسان‌های فرهنگی نیستند، آنها را هر جا که بگذارید پست قبول می‌کنند و فرقی نمی‌کند کجا سمت داشته باشند. کماکان زمام امور فرهنگی ما در دست چهره‌های امنیت زده و سیاست زده است و امنیت زدگی و سیاست زدگی مغایر با سیاسی شدن افراد است، یعنی همراه با سیاست زدایی است و امان از سیاست‌زدایی. به نظر بنده یک رویکرد زننده این است که جامعه سیاسی نباشد. می‌گویم جامعه سیاست زده نباشد، اما سیاسی باشد. یعنی مطالبات و حقوق و نیازهای خود را بشناسد و فریاد آزادی خواهی و عدالت خواهی سر دهد. هرچه این فریادها کمتر شود یعنی مردم بی تفاوت شده‌اند و هر چه مردم بی تفاوت شوند یعنی عده‌ای دارند خر مراد خود را پیش می‌برند.

مهر

کاسبی بیمارستان‌های خصوصی با کرونا

دلایل افزایش مرگ و میرها از نگاه پرستاران بیماران کرونا

محمد رضازاده

با گذشت بیش از ۹ ماه از شیوع بیماری کرونا، به بهانه شنیدن مشکلات پرستاران در این روزهای پر از رنج با چند تن از پرستاران هم‌صحبت شدیم و درددل‌های آنان را شنیدیم.

وقتی لباس سپید پرستاری را برتن می‌کنی، باید این عهد را با خدای خود ببندی که درد بیمار را بر درد خود ارجحیت دهی و از هر اقدامی که برای تسکین آلام دردمندان دریغ نکنی. پرستار که باشی فرقی نمی‌کند تا چه زمانی در بیمارستان هستی، یا چند ساعت نخوابیده‌ای و یا چندین روز است که لحظه‌ای استراحت نکرده‌ای، پرستار که باشی خودت را نادیده می‌گیری و راهی برای تسکین بیماران پیدا می‌کنی، در ۹ ماهه گذشته که شاهد شیوع بیماری کرونا در کشور بودیم پرستاران نشان دادند که پایبند عهدشان ماندند و برای کمک به یک بیمار دردمند مبتلا به کرونا از هیچ کاری دریغ نکردند، هرچند در همین دوران نیز با مشکلات زیادی مواجه بودند.

به بهانه شنیدن درد دل‌ها و مشکلات پرستاران در این روزهای پر از رنج با چند تن از پرستاران هم صحبت شدیم و درددل‌های آنان را شنیدیم. این میزگرد با حضور سجاد حسن زاده دکتری آناتومی و عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی ایران، مصطفی عبدالملکی لیسانس پرستاری و فوق لیسانس مدیریت بهداشت و درمان و امیر مسعود یاراحمدی کارشناس بهیاری برگزار شد.

***چند وقت است که در بحران کرونا مشغول به خدمت‌رسانی هستید؟ بزرگترین مشکل این روزهای پرستاران چیست؟**

حسن زاده: ده سال است به عنوان پرستار مشغول به کارم و از اول شیوع بحران کرونا وارد میدان مقابله با کرونا شدم، از گذشته فریاد پرستاران به دلیل کمبود نیرو بلند بود و این موضوع وقتی به بحران کرونا رسید بیشتر نمایان شد. متاسفانه همین موضوع باعث فشار کاری پرستاران شده است و برخی از آنها مجبورند شیفت‌های طولانی مدت با شرایط خاص را بگذارنند و همین شیفت‌ها اثرات منفی روی آنها می‌گذارد. بسیاری از عوامل در این قضیه دخیل است که یک پرستار در محیط کاری موفق باشد، اما متاسفانه کمبود نیرو و فشار کاری زیاد و متناسب نبودن حقوق و مزایا از جمله معضلاتی است که تا حد زیادی روی پرستاران تاثیر گذاشته است و روز به روز خود را نمایان می‌کند. به طوری که شاهدیم مسوولان نیز تصمیم به افزایش و جذب پرستار گرفته‌اند.

***ساعات کاری پرستاران در بحران کرونا چقدر افزایش یافت؟**

عبدالملکی: ساعات کاری پرستاران به نسبت گذشته تغییر کرده است و اغلب بیمارستان‌های ما تغییر کاربری داده‌اند تا درآمدهای خود را بالا ببرند، در بیمارستان خصوصی معمولا شیفت‌ها بالای ۸ ساعت است و پرستار باید در کاورهای گرم شیفت خود را بگذارند. اگر پرستاری کوچکترین خطایی انجام دهد آسیب را خودش می‌بیند، شیفت‌های کاری اگر قرار است شبیه پروتکل‌های جهانی اجرایی شود که باید زمان آن مشخص باشد اما متاسفانه می‌بینیم گاهی برای سی بیمار یک یا دو پرستار خدمات ارائه می‌دهند که همین موضوع باعث کاهش کیفیت خدمات پرستاری شده است.

***کدام قوانین حوزه پرستاری طی سالهای اخیر روی زمین مانده و اجرا نشده است؟**

حسن زاده: برخی قوانین حوزه پرستاری در سال ۸۸ تصویب شده است و اجرایی نشده است و زمانی که وزیر جدید بر صندلی وزارت می‌نشیند اعلام می‌کند که این مصوبات مربوط به دولت قبل بوده است، قانون تعرفه‌گذاری و بهره‌وری باید اجرایی شود، از زمان شیوع کرونا اعلام شد که بیمارستان‌های دانشگاهی باید کارانه و حق ویژه کرونا پرداخت کنند اما متاسفانه این قانون در بیمارستان‌های تامین اجتماعی و خصوصی اجرایی نمی‌شود، بیمارستان خصوصی اعلام می‌کند اگر درامد بالایی داشت حق کرونا را پرداخت می‌کند اگر نداشت که هیچ!

یکی از اعضای کمیسیون بهداشت و درمان می‌گفت ما برنامه‌ریزی انجام داده ایم که یک سری نیرو چند ساعت آموزش ببینند و به عنوان کمک پرستار فعالیت کنند همین طرز تفکر باعث شده هر کسی ادعای پرستاری کند. آن کسی که باید تاوان این بی برنامگی را بدهد فرد بیمار است زیرا باید هزینه درمان را پرداخت کند اما آنطور که باید خدمات با کیفیت دریافت نکند.

***از نظر شما به عنوان افرادی که مدت‌هاست با بیماران کرونا درگیر هستید دلیل افزایش شیوع کرونا در کشور چیست؟**

عبدالملکی: تجربه من نشان می‌دهد مجریان بهداشت و درمان در برخی بیمارستان‌ها از سواد و تجربه کافی برخوردار نیستند به طور مثال دو هفته قبل در یکی از شهرستان‌ها شاهد برگزاری مراسم و تشییع جنازه یک فوتی کرونا و یک بیمار عادی بودیم که همین همزمانی باعث تجمع دو هزار نفر شد که متاسفانه این موارد به دلیل بی برنامگی رخ می‌دهد و طبق اطلاعاتی که به دست من رسید در همین مراسم بیش از صد نفر به کرونا مبتلا شده‌اند.

با بیماران که صحبت می‌کنیم و دلیل ماسک نزدن آنها را می‌پرسیم می‌بینیم که توانایی تهیه روزانه ماسک را ندارند و متاسفانه می‌بینیم برخی از مردم از یک ماسک سه لایه چند روز استفاده می‌کنند، همچنین می‌بینیم برخی که وضعیت اقتصادی مطلوب‌تری دارند نیز رعایت نمی‌کنند، متاسفانه شاهدیم که برخی مبتلایان بدون مشورت پزشک اقدام به مصرف خودسرانه دارو می‌کنند همین موضوع می‌تواند منجر به باعث افزایش مرگ و میر بیماران شود. زمانی که فردی به بیماری کرونا مبتلا می‌شود باید طبق پروتکل دارو مصرف کند، وقتی وارد آزمایشگاه خصوصی یا بیمارستان می‌شویم می‌بینیم که با ازدحام مردمی مواجه هستیم که کمترین علائم را دارند و در صورتی که به کرونا مبتلا نباشند ممکن است به این بیماری مبتلا شوند. در حال حاضر بسیاری از مراسم‌ها به صورت پنهانی برگزار می‌شود که امیدواریم با اجرای محدودیت‌ها شاهد کاهش برگزاری مراسم‌ها باشیم.

یاراحمدی: یکی از دلایل بالا رفتن مرگ و میر این است که برخی مراکز که استاندارد نیستند را به بیماران کرونایی اختصاص داده اند و الان هر پرستاری با هر درجه ای را در بخش آی سی یو بالای سر مریض گذاشته اند. وقتی بیمار را به بیمارستان می‌رسانیم اما به دلیل کرونا چون نمی توانیم وارد بخش‌ها شویم و از کیفیت ارائه خدمات به بیمارمان باخبر شویم، بنابراین نمی توانیم بفهمیم که قرار است چه اتفاقی برایش بیفتد بنابراین در این موقعیت آیا پرستار حرفه ای و با تجربه بهتر کار می‌کند یا پرستار مبتدی!

***وضعیت پرستاران در بیمارستان‌های خصوصی چگونه است؟**

حسن زاده: برخی بیمارستان‌ها سیستمشان را اینطور چیده اند که پرستار مقیم نداشته باشند یعنی شیفت‌ها را براساس بیمار تعریف می‌کنند. اکثر بیمارستان‌های خصوصی بعد کرونا تغییر کاربری داده اند و گفته اند که چون به خاطر کرونا مردم برای جراحی و درمان‌های دیگر مراجعه نمی کنند، تعداد تخت آی سی یو را از ۱۰ به ۶۰ رسانده تا بتوانند کمبودهایش را جبران و درآمدزایی کنند. وقتی پرستار مجبور است کار کند و از طرفی یک پرستار باید ده بیمار را پوشش دهد، کیفیت خدمات پایین می‌آید. در شروع بیماری کرونا در تعداد پرستار مشکلی نداشتیم اما اینقدر طی ماه‌های گذشته آنقدر ریزش پرستار داشتیم که الان با کمبود و محدودیت پرستار مواجهیم.

یاراحمدی: در بیمارستان‌های خصوصی به صورت معمول عصر و شب فعالیت می‌کنیم یعنی ۱۸ ساعت ولی اگر تاریخ شیفت به روز تعطیل بخورد باید ۲۴ ساعت شیفت بدهیم آن هم در یک مرکز. در بیمارستان‌های دولتی به دلیل نظارت بیشتر حداکثر کار در شیفت ۱۲ ساعت است.

مثلا اگر در یک مرکز بین سه نیروی پرستار یک نفر کرونا بگیرد، دو نفر دیگر باید کار او را پوشش دهند. این مشکل امکان دارد در مرکز دیگر هم پیش بیاید و کار مضاعف بر گردن یک پرستار محول خواهد شد.

***برخی خبرها حکایت از آن دارد که بیمارستان‌های خصوصی بیمار را برای دریافت پرستار به خارج از بیمارستان ارجاع می‌دهند این موضوع را تایید می‌کنید؟**

عبدالملکی: بیمارستان‌های خصوصی علت اینکه مراقب یا پرستار می‌گذارند چون منبع درآمدشان است یعنی با یک شرکت خصوصی قرارداد می‌بندند و می‌گویند شیفت‌های خصوصی ما را پوشش دهید. هم کمبود نیرو جبران می‌شود هم درآمدزایی می‌کنند. در واقع با این کار سهمی را برای خود برداشته و درصدی را به شرکت می‌دهد. در بیمارستان دولتی هم اگر بیماری مراقب نداشته باشد می‌گویند با فلان شرکت قرار داد داریم و بیمار و خانواده‌اش مبلغی به یک مراقب و پرستار می‌دهند که کنارش بایستد.

در بیمارستان‌های دولتی هم با یک شرکت خصوصی قرار داد بسته اند که نیروهای پرستاری خود را تأمین کنند و شرکت خصوصی به دلیل کرونا برای مثلا ۸۹ روز با شرکت مورد نظر قرار داد بسته است که به پرستاران سنوات و عیدی ندهد و این طور وانمود می‌کنند که هم می‌خواهند به سیستم کمک کند تا کمبودشان جبران شود هم اینکه به نفع خودش کار کنند.

*فاصله دریافتی حقوق پرستار و پزشکان چقدر است؟

حسن زاده: فاصله دریافتی بین بچه‌های پرستاری و پزشکان زیاد است که حتی شما تصور هم نمی توانید بکنید، در حالی‌که این فاصله دریافتی با توجه به شرایط کرونا واقعا بی معنی است. در کشور ما پزشک سالاری مرسوم است مثلا یک پرستار حدود ۴ میلیون می‌گیرد و یک پزشک حداقل ۱۵ الی ۲۰ میلیون، ولی تا حالا پزشکان به درآمد خود اعتراض نکرده اند و هیچ بیمارستانی حق ندارد کارانه و دستمزد پزشک را ندهد در حالیکه همیشه پرستاران آخرین گروه دریافت حقوق هستند و می‌دانیم که تمام مراقبت‌های بالینی و خدمات را پرستار انجام می‌دهند.

یار احمدی: یک پرستار با حقوق پایین برای گذران زندگی باید چند جا کار کند و این نیرو همیشه در محل‌های کار و خانه خود خسته است. سیستم درمان ما پزشک محور است و همه کسانی که تصمیمات را در نظام سلامت می‌گیرند پزشک هستند و تمام امتیازات به سمت پزشکان متمایل می‌شود. فیش حقوقی من در سمت سوپروایزر به عنوان یک پرستار ۶ میلیون و ۲۰۰ است و هم سمتی من در بیمارستان دولتی حدود ۸ تومان می‌گیرد. حقوق پرستار با پزشک حداقل ۶ الی ۷ برابر فرق می‌کند. در بیمارستان خصوصی که این اختلاف بسیار بیشتر است.

***پذیرش بیماران کرونا به نسبت تعداد پرستاران صورت می‌گیرد؟**

یاراحمدی: وقتی یک پرستار در مجلس نداریم، چگونه می‌توانیم انتظار داشته باشیم تصمیمی در مورد پرستاران گرفته شود؟ همه چیز به یک جشن صوری روز پرستار ختم می‌شود و به چند پرستار گزینشی هدیه داده می‌شود. در کشور ما پرستاران در تصمیم گیری و قانونگذاری هیچ نماینده ای ندارند. چند سال پیش (دوره دکتر دستجردی) بدون هیچ بررسی سیستم بهیاری (گذراندن سه سال دوره) را جمع کردند و جای آن کمک پرستار گذاشتند که ۴ ماه آموزش فشرده می‌بینند. حتی قرار شد بهیاران را ارتقاء تحصیلی دهند اما هیچ کدام از مصوبات در خصوص حوزه بهیاری اجرا نشد و فقط سیستم بهیاری برداشته شد.

یک سیاستگذاری دقیق برای درجه بندی بیمار کرونایی وجود ندارد الان در هر بخش امکان دارد بیمار کرونایی وجود داشته باشد. اگر در بخش باشیم به طور معمول مثلا ۴۰ تخت هست که همیشه ۴ پرستار فعال هستند و در شرایط کرونا هم همینطور است. آی سی یوها هم قبل کرونا نهایتا دو الی سه تخت به یک پرستار می‌رسید اما الان تعداد تخت آی سی یو زیاد شده و نیروی پرستار نه.

خیلی از پرستاران خانم در محیط خانواده مشکل پیدا می‌کنند بالاخره فرزند و همسر هم انتظاراتی دارند و این پرستار اگر تأمین باشد، بیش از یک شیفت کار نمی‌کنند. اما اینقدر دریافتی جامعه پرستاری نسبت به تورم جامعه کم است که پرستاران مجبورند چند جا کار کنند و سطح کارائی‌شان پایین می‌آید. واقعا با این فشار پرستار نمی‌تواند دغدغه رسیدگی بهتر به بیمار را داشته باشد.

آغاز چهارمین مرحله مقابله با کرونا با عنوان طرح شهید حاج قاسم سلیمانی

سرخاب- معاون استاندار و فرماندار ویژه شهرستان مراغه از آغاز چهارمین مرحله مقابله با کرونا با عنوان طرح شهید حاج قاسم سلیمانی در این شهرستان خبر داد.

سید علی موسوی در جلسه هماهنگی شروع به کار این طرح اظهار داشت: این مرحله به شیوه محله و خانواده محور و مبتنی بر هر خانه یک پایگاه سلامت آغاز شده و تا آخر هفته دوم اسفندماه امسال ادامه خواهد داشت. این طرح با همکاری وزارت بهداشت و سازمان بسیج مستضعفین اجرا می‌شود.

موسوی همچنین افزود: مدیریت و کنترل اپیدمی کرونا از طریق مشارکت مردمی و هماهنگی بین بخشی و بهره گیری از کمک نیروهای بسیج و داوطلب از اهداف کلان این طرح و قطع زنجیره انتقال ویروس با افزایش رعایت پروتکل‌های بهداشتی، رهگیری و رصد فعال، کاهش بستری و فوتی و پویش حمایتی از گروه‌های در معرض خطر از اهداف تخصصی این طرح است.

وی اضافه کرد: مطالعه کاملی بر روی طرح انجام شده و در شهرستان تمامی دستگاه‌های اجرایی پای کار هستند و از تمامی ظرفیت‌ها برای نتیجه گیری از این طرح بهره خواهیم برد.

فرماندار مراغه خاطرنشان کرد: استفاده از ظرفیت بسیج در اجرای این طرح نشان دهنده اهمیت موضوع بوده و امیدواریم سازماندهی نیروهای بسیجی، هلال احمر و دیگر دستگاه‌های عضو در

کاهش آمار کرونا تاثیرگذار باشد.

موسوی اضافه کرد: تسریع در شناسایی افراد مبتلا، اجرای درست قرنطینه خانگی، تشکیل اکیپ‌های نظارت بر اصناف و ادارات و ضدعفونی مناطق پرخطر از جمله برنامه‌هایی است که برخی از آن‌ها در شهرستان در حال اجرا بوده و با اجرای بقیه برنامه‌ها امیدواریم شاهد بهبود وضعیت بیماری کرونا در شهرستان باشیم.

وی ادامه داد: اجرای اقدامات ضربتی برای قطع زنجیره کرونا ویروس در شهرستان ضروری است.

معاون سیاسی اجتماعی فرمانداری مراغه نیز در این جلسه گفت: نباید مردم بیماری کرونای خود را مخفی کنند چراکه هر فردی امکان ابتلا به این بیماری را دارد.

موسی شعفی گفت: احساس مسوولیت نسبت به خود و دیگران و قرنطینه شدن در دوران بیماری کرونا از اهمیت ویژه ای برخوردار است و باید همگان به آن عمل کنند.

وی به اجرای دقیق طرح شهید قاسم سلیمانی اشاره کرد و گفت: با بیماریابی می‌توان از شیوع بیشتر بیماری کرونا پیشگیری کرد که در ریشه کنی تمامی بیماری‌ها پیشگیری بر درمان اولویت دارد.

رییس دانشکده علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی مراغه نیز در این جلسه گفت: تشدید نظارت بر پروتکل‌های بهداشتی و اعمال قانون، تست گسترده، هدفمند و هوشمند، بیماریابی فعال، قرنطینه و رهگیری هوشمند، آموزش و اطلاع رسانی و فرهنگ سازی، حفاظت از گروه‌های آسیب پذیر، تعیین و اعلام هوشمند و هدفمند محدودیت‌ها و تقویت فرایند درمان سرپایی و کاهش حداکثری موارد بستری از هفت راهبرد اجرایی این طرح است.

اصغر تنومند گفت: این طرح در سه سطح شهرستان، منطقه و روستا با همکاری فرمانداری، دانشکده علوم پزشکی، بسیج، هلال احمر و شهرداری اجرا می‌شود.

وی افزود: تیم‌های مراقبت، حمایت و نظارت به عنوان تیم‌های اجرایی این طرح هستند که اعضای هریک از آن‌ها کاملا مشخص و نقش آن‌ها تعریف شده است.

وی گفت: در این طرح تیم‌های اجرایی از اهمیت ویژه ای برخوردار هستند و به عنوان بازوهای عملیاتی کمیته‌های محله بوده و مسوول اجرای برنامه‌ها هستند.

این حرف‌ها در مورد کرونا ممنوع است!

سرخاب- اگر طی ۱۰ ماهی که از ورود کرونا به کشور می‌گذرد به کرونا مبتلا نشده باشید، حتما در اطرافیان خود مبتلایان این بیماری را دیده‌اید؛ بیماری سختی که علاوه بر تمام عوارض جسمانی می‌تواند برای روح و روان فرد هم آسیب‌زا باشد و با ترسی که نسبت به بیماری وجود دارد، سبب شود تا اطرافیان بیمار هم از این بُعد بیماری غافل شوند.

بنابر اعلام وبدا، مراقب باشیم به افراد مبتلا به بیماری کرونا برچسب نزنیم. برچسب زدن یا انگ زدن، یک فرد را از دیگران متفاوت می‌کند. انگ نگرش‌های منفی و رفتارهای تبعیض آمیز و طرد کننده نسبت فرد یا گروهی از افراد با یک ویژگی خاص است.

هنگام صحبت از این ویروس و بیماری آن را به منطقه خاصی از دنیا مانند ویروس چینی، یا شهر خاصی در کشور نامگذاری نکنیم. از نام علمی آن یعنی کووید۱۹ یا به شکل ساده از کروناویروس استفاده کنیم.

استفاده از عباراتی مانند « پخش کردن ویروس» ، « آلوده کردن» و... بسیار انگ‌زا است و در آن نوعی سرزنش نهفته است. « فلانی باعث مبتلا شدن بقیه یا انتشار ویروس شده است» درست نیست، بهتر است بگوییم « ویروس پخش شده است».

به افراد مبتلا به کرونا که در خانه قرنطینه هستند یادآوری کنیم که جدا بودن آنها از دیگران و مجزا بودن وسایل مورد استفاده آنها به معنی خشم یا طرد نیست، بلکه برای مدت کوتاه و برای مراقبت و پیشگیری است.

به شایعات یا اخبار نادرست در شبکه‌های مجازی و کانال‌های غیرمعتبر و یا شایعه در مورد دوست، همسایه و... دامن نزنیم. تا در مورد خبری اطمینان نداریم آن را بازنشر نکنیم. بهتر است در زمان همه‌گیری بیماری پیگیر و نشر دهنده اخبار موثق و مثبت باشیم.

انگ زدن باعث می‌شود افراد بیمار خود را پنهان کنند، دیرتر برای درمان مراجعه کنند و اشتیاق برای انجام رفتارهای بهداشتی پیشگیرانه را کم می‌کند. انگ باعث می‌شود افراد مبتلا به بیماری علاوه بر رنج و نگرانی بیماری از نظر روانی نیز تحت فشار قرار گیرند.

به افراد مبتلا نگوییم « کرونایی» یا « قربانیان کرونا»؛ به جای آن بگوییم « افراد مبتلا به کرونا» یا « افرادی که به دلیل کرونا فوت کردند یا بستری هستند». به جای موارد « مشکوک» بگوییم «آنها امکان دارد ویروس کرونا داشته باشند.»

افراد سالمند و مبتلایان بیماری زمینه‌ای بویژه در معرض انگ هستند. مراقب افراد سالمند و این بیماران در خانواده و اجتماع باشیم. برای مثال نگوییم « خوشبختانه فقط افراد سالمند یا دارای بیماری زمینه‌ای در خطر مرگ و میر هستند.» این عبارت برای افراد در معرض خطر ناراحت کننده است.

ضمن رعایت توصیه‌های بهداشتی با افراد بیمار و دارای نشانه‌های بیماری با خشم و طردکننده برخورد نکنیم. آنها را به استراحت در منزل و پیگیری درمان تشویق کنیم.

فرد مبتلا به ویروس کرونا می‌تواند اهل هر مکانی باشد یا هر سنی داشته باشد؛ می‌تواند علی‌رغم رعایت تمام اصول بهداشتی و قرنطینه مبتلا شده باشد، می‌تواند هر یک از ما یا عزیزان ما باشد. افراد مبتلا به ویروس کرونا جدا از ما نیستند. کلیشه‌ها را کنار بگذاریم و همدلانه کنارشان باشیم.

اصلاحیه آگهی م.الف: ۱۸۱-۹۸-۳۰۸

قوه قضائیه
سازمان ثبت و اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان آذربایجانشرقی
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک ورزقان
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۳۹۹۶۰۳۰۴۰۲۴۰۰۲۲۰۳ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستمر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ورزقان تصرفا مالکانه بلامعارض متقاضی آقای صیاد دهقانیان فرزند علی بشماره شناسنامه ۷۴۳ صادره از ورزقان درششدانگ یک قطعه زمین زارعی ۱۴۸/۱۰ مترمربع قسمتی از پلاک ۳ اصلی واقع در قریه مشکعنبربخش ۲۳ تبریز خریداری ازخانم قمرتاج سعدی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود درصورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یکماه ازتاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۹/۰۹/۲
تاریخ انتشار نوبت دوم ۹۹/۹/۱۸

علی نصرتی - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ورزقان

اداره کل راه و شهرسازی استان آذربایجان شرقی
وزارت راه و شهرسازی

اطلاعیه «نوبت دوم»

روزنامه سرخاب
شناسه آگهی: ۱۰۴۵۸۲۴
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۳۹۹/۸/۲۷
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۳۹۹/۹/۸

بنا به ماده واحده مصوب ۷۰/۱۱/۰۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام، نقشه و مختصات UTM مربوط به رای کمسیون ماده ۱۲ قانون زمین شهری به شماره ۳۶-۹۹ از سال ۱۳۹۹ شمسی در خصوص موات بودن پنج قطعه زمین در اراضی شادآباد سفلی، حد جنوبی اتوبان شهید کسایی، مجاور مجموعه ورزشی یادگار امام، پادگان زاغه مهمات ارتش و از پلاک ۱۷۴ فرعی از ۱۴ اصلی بخش ۹ تبریز در دو نوبت و به فاصله ۱۰ روز اعلان عمومی می گردد تا معترضین حقیقی و حقوقی در صورت داشتن اعتراض به رای فوق الذکر حداکثر تا سه ماه از انتشار آگهی نوبت دوم، اعتراض خود را به مراجع قضایی ذی صلاح تسلیم نمایند و در صورت عدم اعتراض، رای صادره قطعی و لازم الاجراست.

اداره کل راه و شهرسازی آذربایجان شرقی

م الف ۵۲۷,۵۸۱۹

آگهی مزایده اموال غیر منقول(اسناد رهنی)

به موجب پرونده های اجرائی کلاسه ۹۵۰۰۰۸۵ و ۹۵۰۰۰۸۶ و ۹۵۰۰۰۸۷ شش دانگ پلاک های ثبتی ۱- ۲ فرعی از پلاک اصلی ۶۶۰۹ اصلی در بخش: ۱۲ تبریز ناحیه: ندارد واقع در: حوزه ثبت ملک آذرشهر و ۲- ۱۵ فرعی از پلاک اصلی ۶۳۴۶ اصلی در بخش: ۱۲ تبریز ناحیه: ندارد واقع در حوزه ثبت ملک آذرشهر با حدود و مشخصات ذیل به فروش می رسد: ۱- پلاک ثبتی فرعی: ۲ فرعی از پلاک اصلی ۶۶۰۹ اصلی با حدود: ((شمالا به طول ۲ متر به دیوار پلاک ۳ فرعی از ۶۳۷۷ اصلی شرقا به طول ۱۲.۴۵ متر دیواریست به باقیمانده پلاک ۶۶۰۹ جنوبا به طول ۲ متر محدود است به دربند غربا به طول ۱۲.۴۰ متر خط مفروضی است به پلاک ۱۵ فرعی از ۶۳۴۶ اصلی)) به مساحت ۲۴.۸۴ مترمربع و ذیل ثبت ۲۷۸۵۰ دفتر ۱۴۰ صفحه ۲۲۲ بنام غلامعلی ایمانی ثبت و سند مالکیت آن صادر و تسلیم شده است. ۲- پلاک ثبتی فرعی: ۱۵ فرعی از پلاک اصلی ۶۳۴۶ اصلی در بخش: ۱۲ تبریز با حدود: ((شمالا به طول ۱۲ متر دیوار به دیوار پلاک ۶۳۷۷ شرقا اول به طول ۳.۲۰ متر به دیوار مجاور مزبور دوم به طول ۱۲.۴۰ متر خط مفروض است به قسمتی از پلاک ۶۶۰۹ اصلی که با این خانه ادغام شده است جنوبا به طول ۱۳.۵۰ متر دیوار و درب ورود است به دربند احداثی غربا اول به طول ۳.۷۵ متر به دیوار مغازه متقاضی مفروز از ۶۳۴۶ دوم به طول ۸.۱۵ متر سوم ۱.۶۰ متر از غرب به شرق چهارم غربی به طول ۳.۶۰ متر دیواریست به قطعه مفروز از قطعه (۶۳۴۶)) به مساحت ۱۹۸.۴۰ بنام غلامعلی ایمانی ثبت و سند مالکیت آن صادر و تسلیم شده است. سپس پلاکهای ثبتی فوق طبق اسناد رهنی شماره ۱۹۶۷۱ و ۱۷۴۸۱ و ۱۸۳۸۹ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۱۰۴۸ تهران در رهن شرکت تهیه و توزیع قطعات و لوازم یدکی ایران خودرو(ایساکو) قرار گرفته است. و به دلیل عدم پرداخت دین مدیون از طرف شرکت مرتهن منجر به صدور اجرائیه گردیده و پرونده های اجرائی کلاسه ۹۵۰۰۰۸۵ و ۹۵۰۰۰۸۶ و ۹۵۰۰۰۸۷ در اداره ثبت اسناد و املاک آذرشهر علیه آقای غلامعلی ایمانی (بدهکار و راهن) و له شرکت تهیه و توزیع قطعات و لوازم یدکی ایران خودرو(ایساکو) به نیابت از اداره سوم اجرای ثبت تهران تشکیل شده و پس از طی مراحل قانونی پرونده طبق گزارش وارده شماره ۱۰۴,۷,۸۴۴۵ مورخ ۹۹,۰۸,۲۴ هیات کارشناسان رسمی دادگستری موارد وثیقه را به مبلغ ۱۶۳۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال (شانزده میلیارد و سیصد میلیون ریال) ارزیابی گردیده و پلاکهای فوق: هر دو پلاک ۲ فرعی از ۶۶۰۹ اصلی و پلاک ۱۵ فرعی از ۶۳۴۶ اصلی که هردو پلاک الحاق شده به صورت مسکونی محسوب گردیده است و اعیانی به صورت همکف با پوشش طاق ضربی و زیرزمین با نمای سرامیک و دیوارهای حیاط و مشرف به بیرون سیمانکاری شده است و دارای امتیازات آب، برق و گاز می باشد با توجه به وضعیت ثبتی و محل قرارگیری پلاک ۱۵ فرعی از ۶۳۴۶ اصلی به نظر می رسد در حد غربی تداخل پلاکها وجود دارد در قسمت جنوب غربی قسمتی به مساحت تقریبی ۱۱ متر مربع (حق سرقفلی) از این پلاک به نانوایی الحاق شده است لذا در ارزیابی صورت گرفته حق سرقفلی انباری نانوایی به ابعاد ۳*۳.۵ متر در ارزیابی کسر گردیده است و فقط ملکیت این مقدار در ارزیابی مدنظر بوده است عرصه کل دو پلاک ۲۲۳.۲۴ مترمربع می باشد که پس از کسر ۱۱ مترمربع از بابت انباری نانوایی مساحت موثر حدود ۲۱۲.۲۴ مترمربع میباشد که برای ۱۱ متر مابقی فقط ارزش ریالی مالکانه در نظر گرفته شده است لازم به توضیح است که پلاکهای مزبور بیمه نمی باشند و در تصرف مالک می باشند و مستاجری در آن ساکن نیست و در قبال اصل طلب و حقوقات دولتی به مبلغ ۱۶۳۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال (شانزده میلیارد و سیصد میلیون ریال) ارزیابی گردیده و از ساعت ۹ صبح الی ۱۲ ظهر روز چهارشنبه مورخه ۱۳۹۹,۰۹,۲۶ در محل اداره ثبت اسناد و املاک آذرشهر- آذرشهر- بلوار بسیج - اول کوی خیام دو از طریق مزایده به فروش خواهد رسید مزایده از مبلغ ۱۶۳۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال (شانزده میلیارد و سیصد میلیون ریال) شروع و به بالاترین قیمت پیشنهاد شده فروخته خواهد شد. ضمنا بدهی های مالیاتی و عوارض شهرداری تا تاریخ مزایده اعم از اینکه رقم قطعی آنها معلوم شده یا نشده باشد همچنین حق الحراج زائد مبلغ بر مزایده به عهده خریدار خواهد بود این آگهی در یک نوبت و در صورت مصادف شدن روز مزایده با تعطیل غیرمترقبه فردای همان روز جلسه مزایده برگزار خواهد شد.

تاریخ انتشار: روز شنبه ۱۳۹۹,۰۹,۰۸

مسئول واحد اجرای اسناد رسمی آذرشهر - بهرام قاصدی

م الف ۶۴۹

«آگهی مزایده اموال غیر منقول(اسناد رهنی)»

به موجب پرونده اجرائی کلاسه ۹۱۰۰۰۶۶ (ش/۵۱۶) متشکله در اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان میانه (شعبه اجراء) صادره له بانك ملي ايران شعبه مركزي ميانه و عليه شركت طبيعت بيتا ميانه (سهامی خاص) ثبت شده به شماره ۱۳۶۳ در اداره ثبت شركت هاي ميانه به عنوان بدهکار و خانم نازنده سلیمانی فرزند صادق به کد ملی ۵۴۵۹۲۲۰۲۶۲ و آقای حبیب هاشمی فرزند علی اصغر به کد ملی ۱۵۳۲۳۸۴۸۵۸ بعنوان راهنین مطروحه در پرونده اجرائی موصوف، بستانکار(بانک ملی ایران شعبه مرکزی میانه) باستناد سند رهنی شماره ۶۰۰۶-۱۳۸۷/۰۷/۰۲ تنظیمی دفترخانه اسناد رسمی شماره ۱۲۵ میانه برای وصول طلب خود به مبلغ هشتصد و سی و نه میلیون و یکصد و سی و نه هزار ریال به انضمام خسارات تاخیر تادیه متعلقه و حقوق دولتی پرونده علیه نامبردگان اقدام به صدور اجرائیه نموده است. مورد رهن عبارت است از: ششدانگ یک دستگاه واحد آپارتمان مسکونی شماره ۱۳ واقع در طبقه ۷ پلاک ثبتی شماره دوازده هزار و هشتصد و هفتاد فرعی از هفت هزار و دویست و چهل و یک فرعی از یکصد و بیست و دو فرعی از یک اصلی واقع در میانه بخش سی و هفت تبریز می باشد. ششدانگ پلاک موصوف برابر نظریه شماره ۹۱۰۰۰۶۶-۱۳۹۹/۰۴/۲۲ کارشناس رسمی دادگستری ششدانگ یک واحد آپارتمان مسکونی واقع در میانه- خیابان آزادگان شمالی - ساختمان سپهر- طبقه هفت واحد سیزده به شماره پلاک ثبتی دوازده هزار و هشتصد و هفتاد فرعی از یک اصلی واقع در میانه بخش سی و هفت که در صفحه چهل شش ذیل شماره ثبت بیست و هشت هزار و یکصد و هشتاد و هفت دفتر جلد یکصد و پنجاه و شش دفتر املاک ثبت میانه به نام آقای حبیب هاشمی و خانم نازنده سلیمانی (بالمناصفه) راهنین پرونده ثبت و سند صادر و تسلیم گردیده و با جمیع توابع شرعیه و لواحق و متعلقات و منضمات شرعیه و عرفیه و امتیازات منصوبه برابر سند رهني موصوف در رهن بانك ملي ايران شعبه مركزي ميانه قرار گرفته است كه محدود به حدود ذیل است:

شمالاً: اول بطول ۱'۱۶ متر دریچه و دیواریست دوم در همان امتداد بطول ۳'۷۹ متر لبه تراس است به فضای حیاط شمالی سوم حد شمالی بطول ۸۶ سانتیمتر لبه بالکن مذکور است به فضای کوچه ده متری شرقاً: بطول ۱۴'۲۱ متر پنجره ها و دیواریست به فضای کوچه ده متری جنوباً: بطول ۶'۲۲ متر پنجره ها و دیواریست به فضای حیاط جنوبی آپارتمان غرباً: اول بطول ۵'۰۲ متر دیواریست به محوطه راه پله درب ورود آپارتمان در این حد است دوم از شرق به غرب بطول ۱'۹۲ متر دیواریست به راه پله مذکور سوم حد غربی بطول ۲'۲۶ متر دریچه و دیواریست به داکت چهارم از شرق به غرب بطول ۶۰ سانتیمتر دیواریست به داکت مذکور پنجم بطول ۱۰ سانتی متر دیواریست اشتراکی با واحد شماره ۴ ششم از شرق به غرب بطول ۲'۰۸ متر دیواریست اشتراکی هفتم حد غربی بطول ۳'۱۶ متر و هشتم از غرب به شرق بطول ۵ متر نهم حد غربی بطول ۳'۶۷ متر کلاً دیواریست اشتراکی با واحد مسکونی شماره ۴ که کف آن اشتراکی با سقف واحد شماره ۱۱ و سقف آن اشتراکی با کف واحد شماره ۱۵ می باشد.

ملک مورد ارزیابی ششدانگ یک واحد آپارتمان مسکونی با کاربری مسکونی به مساحت یکصد و شش متر و شصت سانتی مترمربع که مقدار ۱'۴۰ مترمربع بنای پیشرفته به فضای حیاط شمالی و ۵'۳۵ مترمربع به فضای حیاط جنوبی و مقدار ۱۱'۵۰ مترمربع بنای پیشرفته به فضای کوچه ده متری بوده و ۵'۶۰ مترمربع تراس می باشد که دارای پارکینگ شماره ۲ واقع در طبقه پیلوت به مساحت ۱۲'۱۰ مترمربع و انباری شماره ۱۲ واقع در طبقه پیلوت به مساحت ۱'۷۲ مترمربع می باشد که در طبقه هفتم با سازه بتن آرماتور و مصالح بنایی دارای عمر حدوداً پانزده سال می باشد. همچنین واحد مذکور دارای پارکینگ و انباری و کلیه امتیازات از قبیل آب، برق و گاز با کف سرامیک و کابینت ام دی اف می باشد. ششدانگ پلاک ثبتی موصوف برابر صورتمجلس بازداشت اموال غیر منقول مورخ ۱۳۹۹/۰۴/۰۲ و گزارش کارشناس رسمی دادگستری به شماره ۹۱۰۰۰۶۶-۱۳۹۹/۰۴/۲۲ به مبلغ شش میلیارد و سیصد و نود و شش میلیون ریال ارزیابی و قیمت گذاری گردیده است.

ششدانگ پلاک ثبتی موصوف از طریق مزایده به فروش می رسد. جلسه مزایده از ساعت نه صبح الی دوازده ظهر روز چهارشنبه مورخ نوزدهم آذر ماه سال یک هزار و سیصد و نود و نه در محل اجرای ثبت اسناد میانه واقع در میانه- خیابان سرآسیاب- خیابان شهید نریمان همتی- ساختمان اداره ثبت اسناد و املاک میانه واحد اجرا برگزار می شود. مزایده پلاک ثبتی مذکور از مبلغ پایه شش میلیارد و سیصد و نود و شش میلیون ریال شروع و به بالاترین قیمت پیشنهادی از طرف خریداران فروخته خواهد شد. مزایده به صورت حضوری و فروش نیز کلاً به صورت نقدی می باشد. ضمناً بدهی های مالیاتی و عوارض شهرداری و همچنین بدهی های مربوط به آب و فاضلاب و برق و گاز اعم از حق اشتراک و انشعاب و مصرف تا روز مزایده اعم از اینکه رقم قطعی آنها معلوم شده یا نشده باشد و همچنین حق مزایده زائد بر مبلغ مزایده به عهده خریدار می باشد. شرکت در مزایده منوط به پرداخت ده درصد از مبلغ پایه کارشناسی به حساب سپرده ثبت و حضور خریدار یا نماینده قانونی او در جلسه مزایده است. برنده مزایده مکلف است ما به التفاوت مبلغ فروش را ظرف مدت پنج روز از تاریخ مزایده به حساب صندوق ثبت تودیع نماید و در صورتی که ظرف مهلت مقرر، مانده فروش را به حساب سپرده ثبت واریز نکند، مبلغ مذکور قابل استرداد نبوده و به حساب خزانه واریز خواهد شد. در این صورت، عملیات فروش از درجه اعتبار ساقط و مزایده تجدید می گردد. ضمناً خریداران می توانند با هماهنگی لازم از ملک مورد مزایده و وضعیت و موقعیت آن بازدید نمایند. طالبین می توانند در روز و ساعت تعیین شده در محل حاضر و در خرید شرکت نمایند. لازم به ذکر است در صورت وجود وجه مازاد حاصل از فروش وجوه پرداختی موضوع فراز ۶ بند الف ماده ۱۲۱ آئین نامه اجرا از محل مازاد قابل پرداخت می باشد و چنانچه به مال مورد مزایده در جلسه خریدار پیدا نشود مال مورد مزایده با دریافت حق الاجرا و حق مزایده به قیمتی که مزایده از آن شروع می شود به بستانکار واگذار خواهد شد و مزایده تجدید نخواهد گردید. مازاد پلاک ثبتی موصوف برابر بخشنامه شماره ۱۳۹۷۰۵۸۰۴۰۰۷۰۰۱۱۰۶-۱۳۹۷/۱۱/۱۴ دفتر املاک ثبت میانه له اشخاص دیگر توسط شعبه دوم بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان میانه بازداشت گردیده است. آدرس پلاک مورد مزایده: میانه- خیابان آزادگان شمالی - ساختمان سپهر- طبقه هفت واحد سیزده می باشد. هرگاه روز مزایده مصادف با تعطیلی غیرمترقبه باشد روز بعد از تعطیل جلسه مزایده در همان مکان و زمان برگزار خواهد شد.

تاریخ انتشار: ۱۳۹۹/۰۹/۰۸

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان میانه-فرمان بخشعلی زاده

خدا برای بازگشت دیه‌گو دستور VAR می‌دهد؟

علیرضا محرمی

دیه‌گو آرماندو مارادونا، اسطوره آرژانتینی فوتبال دنیا در ۶۰ سالگی درگذشت تا مردم دنیا با شنیدن این خبر در بهت فرو بروند.

دیه‌گو آرماندو مارادونا؛ اسطوره فوتبال آرژانتین، زننده گل قرن و گل دست خدا، قهرمان جام جهانی ۱۹۸۶، ستاره فراموش نشدنی دنیای فوتبال در سن ۶۰ سالگی، بر اثر حمله قلبی درگذشت.

"نمی‌توانم باور کنم؛ این اتفاق خیلی ناراحت کننده بود". این شروع صحبت با یکی از دیوانگان فوتبال در آرژانتین پس از مرگ دیه‌گو مارادوناست. خبرنگاری که جام جهانی را تجربه کرده، اما در کنار حرفه خود، دیوانه‌وار عاشق بوکاجونیورز است و سکوهای داغ استادیوم La Bombonera. به او می‌گویم؛ "در ایران هم طرفداران فوتبال شدیداً ناراحتند. البته نه فقط در ایران، این غم تمام دنیا را فراگرفته، شاید باید از خدا بخواهیم دستور VAR بدهد." به واقع شاید اشتباهی شده و قرار نبود جان مارادونا را بگیرد.

لئاندرو می‌خندد؛ قطعاً تصور اینکه خدا برای بازگشت خدای فوتبال دستور "VAR" بدهد خنده‌دار است، اما انگار می‌خواهد از این ماجرا فرار کند و احوالپرسی می‌کند. از حال خودم و قرنطینه این روزها در ایران می‌گویم، اما جمله بعدی‌ام او را دوباره به مارادونا بازمی‌گرداند؛ "الان فقط از این اتفاق برای عاشقان فوتبال و آرژانتین ناراحتم".

حتما لئاندرو چند باری مارادونا را ملاقات کرده که این بار احساسی می‌شود و می‌گوید؛ "اینجا، در آرژانتین واقعاً همه غمگین هستند. مردم مقابل استادیوم La Bombonera جمع شده‌اند". جمله بعدی را من می‌گویم؛ "مارادونا به واقع یک اسطوره بزرگ است، البته دیگر باید بگوییم اسطوره‌ای بزرگ بود!"

"من را باور کن" این جمله بعدی است که دوست آرژانتینی‌ام می‌گوید و ادامه می‌دهد؛ "اینجا در آرژانتین او خداست، بله او خدای آرژانتین است". نمی‌توان گفت مارادونا برای دنیا خداست، وقتی او را خدای فوتبال می‌نامند و دنیا برای بسیاری یعنی فوتبال؟!

بازخوانی مصاحبه‌های جذاب؛

وقتی مارادونا ۳۰ متر دنبال بازیکن ایرانی دوید

مهر- فوتبال ایران به دلیل حضور محمدرضا خلعتبری در تیم الوصل امارات نقاط اشتراکی با دیه‌گو مارادونا اسطوره فوتبال دنیا دارد که بازخوانی بعضی از مصاحبه‌های قدیمی درباره مارادونا خالی از لطف نیست.

دیه گو آرماندو مارادونا اسطوره آرژانتینی فوتبال روز گذشته در سن ۶۰ سالگی به دلیل حمله قلبی درگذشت و جهان فوتبال را به شوک فرو برد. این اتفاق به قدری تلخ و شوکه کننده بود که به سرخط خبری تمام رسانه‌های دنیا و شبکه‌های اجتماعی تبدیل شد.

فوتبال ایران هم فارغ از تمام خاطرات و نوستالژی‌هایی که با مارادونا و بازی او در تیم ملی آرژانتین و تیم‌های باشگاهی دارد، نقطه اشتراک دیگری با این اسطوره تکرار نشدنی فوتبال داشته و حالا این نقطه اشتراک بیش از گذشته خودش را نشان می‌دهد.

محمدرضا خلعتبری بازیکن پیشین تیم ملی فوتبال ایران و بازیکن فعلی تیم سپاهان سال ۱۳۹۰ به تیم الغرافه قطر رفت و سپس راهی تیم الوصل امارات شد؛ درست در زمانی که دیه گو مارادونا سرمربی این تیم اماراتی بود. خلعتبری که آن روزها در اوج فوتبالش بود، به گفته خودش یکی از بازیکنان مورد علاقه مارادونا بود و حتی توانست گل‌های حساس و تعیین کننده‌ای برای الوصل به ثمر برساند.

اهمیت خلعتبری در آن مقطع زمانی برای تیم الوصل از یک سو و تأثیرگذاری وی در تیم ملی ایران حتی باعث شد کارلوس کی روش سرمربی وقت تیم ملی ملاقاتی را با مارادونا برای در اختیار گرفتن این بازیکن و حضورش در اردوی تیم ملی برگزار کند.

خلعتبری در ماه‌ها و سال‌های گذشته و در گفتگو با رسانه‌ها، بارها از تجربه کاری اش با مارادونا و خاطرات شاگردی این اسطوره فوتبال جهان صحبت کرده بود.

در این گزارش گلچینی از مصاحبه‌های خلعتبری درباره مارادونا بازخوانی می‌شود؛ اظهاراتی که حالا با درگذشت این اسطوره فوتبال جهان شاید بیشتر از گذشته جالب توجه باشد.

باورم نمی‌شد با مارادونا کار می‌کنم

یکی از افتخارات فوتبالی من شاگردی مارادونا می‌باشد در دوره‌ای که که با ایشان در الوصل امارات بودم از فوتبال بازی کردن لذت می‌بردم، همه چیز سر جایش بود. مارادونا وقتی به تمرین می‌آمد با همه بازیکنانش روبوسی می‌کرد. برای او فرقی نمی‌کرد که بازیکن اماراتی است، بازیکن جوانی است که به تیم اضافه شده و یا بازیکن خارج از کشور امارات است. او همه را به یک چشم نگاه می‌کرد. من یک نیم فصل با او بودم و راستش باورم نمی‌شد که دارم با مارادونا کار می‌کنم.

خلعتبری در کنار مارادونا

مارادونا ۲۰ - ۳۰ متر دنبال من دوید

در بازی با الجزیره سه بر صفر عقب بودیم و در نهایت ۴ بر ۳ برابر حریف پیروز شدیم. من یکی از گل‌ها را زدم. مارادونا حدود ۲۰ الی ۳۰ متر به دنبال من دوید. فیلمش دارم و برام لذت‌بخش بود و یکی از موفقیت‌های من در فوتبال که برایم افتخار خواهد بود کار کردن با مارادونا بود.

مارادونا دوست داشت به ایران بیاید

مارادونا خیلی به من علاقه داشت. ما رابطه خیلی نزدیکی با هم داشتیم. او می‌گفت احمدی نژاد را خیلی دوست دارد. دوست داشت که به ایران بیاید ولی نشد.

ماجرای اختلاف مارادونا و الوصل بر سر خلعتبری

خب ما بازیکنان خوبی نداشتیم و کیفیت بعضی از بازیکنان واقعاً پایین بود. در خط هافبک و دفاع بازیکنان خوبی نداشتیم. مارادونا کار سختی داشت. او به بازی من علاقه داشت و می‌گفت خلعتبری باید بماند ... مارادونا در تمرین پا به توپ می‌شد. او با جوانی اش خیلی فاصله داشت. پای مارادونا هم آسیب دیده بود.

در رفتار مارادونا ذره‌ای غرور و تکبر ندیدم

هنوز هم نمی‌دانم چطور از همان روز اولی که سر تمرین الوصل رفتم، مورد توجه و محبت مارادونای بزرگ قرار گرفتم. مشخص بود ایشان احساس خوبی نسبت به من دارد. در رفتار ایشان ذره‌ای غرور و تکبر ندیدم. اتفاقاً مارادونا یک انسان بسیار مهربان بود.

برنده قرعه کشی پیراهن مارادونا در رختکن

مارادونا می‌دانست همه بازیکنان دوست دارند از او یادگاری بگیرند. قبل از هر بازی دو پیراهن و یک استوک که نامش روی آنها حک شده بود، به رختکن می‌آورد و بین حاضران قرعه‌کشی انجام می‌داد که یک بار من برنده دریافت پیراهنش شدم و هنوز پیراهن شماره ۱۰ تیم ملی آرژانتین که نام مارادونا پشت آن حک شده را به عنوان یک یادگاری بسیار ارزشمند حفظ کرده‌ام.

کی‌روش به مارادونا برای گرفتن خلعتبری چه گفت؟

ما با تیم الوصل به فینال جام خلیج فارس راه یافته بودیم. بازی رفت را در بحرین ۳ بر یک بردیم. آقای کی‌روش برای بازی رسمی ایران و قطر مرا می‌خواست و چون آقای مارادونا اجازه نداده بود، سرمربی وقت تیم ملی حضوری به امارات آمد و مارادونا را متقاعد کرد اجازه بدهد من برای بازی مهم تیم ملی در اختیار تیم کشورم باشم. کی روش به مارادونا گفت شما بازی رفت را در خاک بحرین برنده شده‌اید و غیبت خلعتبری خیلی به چشم نمی‌آید که در نهایت آقای مارادونا به من اجازه داد اردوی تیم الوصل را ترک کنم. البته به صورت قانونی حق با تیم ملی بود ولی بزرگی آقای مارادونا سبب شده بود سرمربی وقت تیم ملی نخواهد موجبات ناراحتی او فراهم شود و به نوعی احترام مرد بزرگ دنیای فوتبال جهان را حفظ کرد. متأسفانه در بازی برگشت که در امارات برگزار شد، در دقیقه پنجم بازی دروازه‌بان الوصل و چند دقیقه بعد مدافع تیم کارت قرمز گرفتند و الوصل ۹ نفره شد و تیم باشگاهی‌ام در وقت‌های قانونی ۳- یک باخت و چون بازی رفت را ۳- یک برده بودیم، کار به ضربات پنالتی کشید و تیم بحرینی قهرمان جام شد.

مردم از دیدن مارادونا اشک می‌ریختند

یادم هست مارادونا برای بازی تنیس‌فوتبال همیشه مرا به عنوان یارش انتخاب می‌کرد. از نقاط مختلف جهان برای دیدن مارادونا به امارات سفر می‌کردند و گاهی سه روز پشت در محل تمرین منتظر می‌ماندند تا بتوانند با او یک عکس یادگاری بگیرند. بارها اتفاق افتاد که ما دیدیم مردم از دیدن مارادونا به‌قدری هیجان‌زده می‌شدند که اشک شوق از چشمان‌شان جاری می‌شد.

پاهایت را بریدند دیگو، دست خدا را بگیر

ایسنا- هر کسی که یک بار روی سکوها، پای تلویزیون و پشت فنس‌ها برای فوتبال اشک ریخته، شب سختی خواهد داشت. حالا وقت بایگانی کردن شماره ۱۰ است.

برای فوتبالی‌ها ۲۵ نوامبر، سیاه‌ترین روز تقویم است. ۱۵ سال پیش در همین شب جرج بست، ستاره بزرگ فوتبال درگذشت و حالا جهان فوتبال در سوگ از دست دادن یکی از بزرگ‌ترین ستاره‌های تاریخ نشسته است؛ دیگو آرماندو مارادونا.

"می‌خواهی عکس دیگو را برایت تتو کنم؟" می‌گویند اگر در بوینس‌آیرس هوس خالکوبی کردن به سرتان بزند، این اولین پیشنهادی است که در مغازه‌ها به شما می‌دهند. او نه تنها در زادگاهش بلکه در هر جایی که عاشقان فوتبال، روزگار می‌گذارنند یک اسطوره بود؛ یک اسطوره ابدی، یک اسطوره با همه اوج‌ها و فرودهایش. او نماد فوتبال نه، او خود خود فوتبال بود.

وقتی در ۱۹۸۶ آرژانتین را قهرمان کرد ۲۶ ساله و در اوج فوتبالش بود. در بازی با انگلیس، بازیکنان حریف را شبیه مانع‌های تمرینی دید. او دست خدا را گرفت و به فوتبال هدیه داد. درباره این بازی گفته بود با دو گلش، به شکل نمادین انتقام جنگ فالکلند را از انگلیسی‌ها گرفت. بوسه‌اش به جام طلایی، فوتبال را زیباتر کرد.

بعد از نایب قهرمانی در جام جهانی ۱۹۹۰ و پس از پایان لیگ ایتالیا ناگهان اعلام شد که در بدن مارادونا آثاری از کوکایین یافت شده است. چرا دیگو؟ این سوالی است که هوادارانش، آن‌هایی که فوتبال نه تفریحشان بلکه زندگی‌شان است حداقل یک بار پرسیده‌اند. در مستندی که امیر کوستوریتسا از زندگی‌اش ساخته بود می‌گوید: "من اگر کوکایین نمی‌کشیدم چه بازیکنی می‌شدم. عجب بازیکنی را از دست دادیم، عجب بازیکنی."

فیفا او را ۱۵ ماه از فعالیت‌های فوتبالی محروم کرد. ۱۵ ماه یعنی چند مسابقه دیگو؟ چند مسابقه بیشتر می‌توانستی چشم‌ها را خیره کنی؟

شایعه شد که او حتی در خرید و فروش مواد مخدر در ناپل دست داشته است. به آرژانتین برگشت اما پلیس بوینس‌آیرس هم از خانه‌اش مواد مخدر پیدا کرد.

بعد از پایان محرومیتش وقتی کسی فکر نمی‌کرد، با دعوت آلفیوباسله، سرمربی وقت آرژانتین، دوباره پیراهن سفید و آبی را به تن کرد و در جام جهانی ۱۹۹۴ پا به میدان گذاشت اما درست زمانی که هواداران از بازگشت او خوشحال بودند، در بازی آرژانتین و نیجریه آزمایش دوپینگش مثبت اعلام شد؛ سقوطی دیگر.

فیفا او را دو سال از شرکت در مسابقات محروم کرد. بعد از محرومیت گفت که پاهایش را بریدند. چه پاهایی دیگو.

محرومیتی که خیلی‌ها از جمله خودش آن را به مسائل پشت پرده ربط دادند. البته در سال ۲۰۱۰ و زمانی که سرمربی آرژانتین بود اعتراف کرد که او و همبازیانش نوعی قهوه آرژانتینی مصرف کرده بودند و برای همین آزمایشش مثبت شد. او این را گفت و تقصیر را گردن سرمربی‌اش انداخت.

مارادونا برای بزرگ بودن نیاز نداشت مدال‌های پرشمار و رنگارنگ به گردنش بیندازد. یک قهرمانی جهان و چند قهرمانی در ایتالیا برایش بس بود، مارادونا با این نشان‌ها مارادونا نبود. او را در دل کوچه و خیابان‌ها - جایی که توپ فوتبال پوست می‌انداخت و تکه تکه می‌شد و پسران و مردان مست غرور از پیروزی نامش را فریاد می‌زدند - بیشتر می‌شناختند. او را می‌پرستیدند.

سرمربی آرژانتین شد، سرمربی مسی. چه قهرمانی‌ای می‌شد دیگو، ولی حیف دیگر به جای پیراهن راه راه، کت و شلوار بد ریختی تنت کرده بودی، حیف دیگو.

حالا که رفته‌ای همه برایت می‌نویسند، حتی پله، همان که خیلی دوستش نداشتی. همان که درباره‌اش گفته بودی قلبش را به فیفا فروخت. برایت نوشته؛ "یک روز در آسمان با هم فوتبال بازی خواهیم کرد." چه فوتبالی بشود دیگو.

گزارش

ماتئوس گفت می‌خواهم بوی دیگو را همیشه حس کنم؛

خاطره جالب رسول خطیبی از مارادونا

ورزش سه- اسطوره فوتبال جهان در شصت سالگی چشم به روی جهان بست و از این پس روز ۲۵ نوامبر هر سال، یاد و خاطره او در سالروز مرگش به خاطر می‌آید.

مرگ دیگو آرماندو مارادونا شوک بزرگی به فوتبال جهان بود و حالا علیرغم اینکه بازی‌های فوتبال در نقاط مختلف دنیا در حال برگزاری است، صدر اخبار رسانه‌ها به مرگ شماره ۱۰ فراموش نشدنی تاریخ فوتبال اختصاص دارد.

رسول خطیبی سرمربی آلومینیوم که تیمش امروز در مصاف با مس رفسنجان به تساوی بدون گل دست یافت نیز یکی از افرادی است که پستی در رابطه با مرگ مارادونا منتشر کرده؛ او با اشاره به دوران فوتبالش در آلمان این خاطره را اینطور بازگو می‌کند:

زمانی که در هامبورگ بازی می‌کردم، یک برنامه تلویزیونی در آلمان را می‌دیدم که ماتئوس مهمان آن بود و خاطره‌ای از فینال جام جهانی ۱۹۹۰ ایتالیا بین تیم‌های آلمان و آرژانتین تعریف می‌کرد. در این برنامه، تصویری از سه دقیقه پایانی بازی فینال جام جهانی ۹۰ پخش شد که در آن نشان می‌داد ماتئوس تنه به تنه با مارادونا است و از او جدا نمی‌شود. مجری برنامه از ماتئوس پرسید آیا بکن‌بائر، سرمربی تیم از تو خواسته بود این کار را انجام دهی یا دلیل خاصی داشت؟ ماتئوس در آن برنامه تلویزیونی در جواب گفت که من سه دقیقه‌ی آخر کنار مارادونا بودم تا بعد از پایان بازی اولین نفری باشم که پیراهن او را بگیرم. ماتئوس لحظاتی بعد پیراهن مارادونا را در آن برنامه تلویزیونی آلمان نشان داد و گفت هنوز پیراهن مارادونا را نگه داشتم و آن را نشستم چون همیشه می‌خواهم بوی مارادونا را حس کنم.

مارادونا اسطوره‌ای بود که اسطوره‌های فوتبال جهان هم عاشق او بودند. بدرود بهترین بازیکن تاریخ فوتبال

آقایان لیگ برتری لطفا غر نزنید!

عرفان حاجی بابایی

در حالی که هنوز نیمی از مسابقات هفته سوم لیگ بیستم باقی مانده اما سرمربیان و بازیکنان به اندازه ۱۰ هفته مصاحبه علیه داوری انجام دادند.

رقابت‌های لیگ برتر فوتبال در فصل بیستم از روز ۱۶ آبان آغاز شد و در حال حاضر نیز چهار بازی از هفته سوم لیگ باقی مانده است. با وجود اینکه هنوز ابتدای مسابقات قرار داریم اما از همان هفته اول اعتراض‌های شدید به وضعیت داوری آغاز شد و هم چنان ادامه دارد.

برکسی پوشیده نیست که اشتباهات تاثیرگذار داوری در هفته‌های گذشته رخ داده اما شرایط به گونه ای شده است که با کوچکترین خطا و برخوردی به خصوص در محوطه جریمه، تیم‌ها توقع اعلام خطا دارند.

به جرات می‌توان گفت در ۲۰ بازی برگزار شده لیگ بیش از ۱۰ مصاحبه از سرمربیان در انتقاد به داوری منتشر شده و اصلا مشخص نیست که برچه اساسی این انتقادات صورت می‌گیرد!

قبل از شروع مسابقات همه از لزوم احترام و کمک به داوران صحبت می‌کنند اما خیلی زود این گفته‌ها را فراموش می‌کنند و برای هر شکست یا تساوی دست به دامان اشتباهات داوری می‌شوند! البته یکی از عجیب ترین اتفاقات نیز این است که سرمربیان تیم‌های برنده هم این روزها اعتراض می‌کنند تا مبادا از غافله غِرزدن جا بمانند!

اشتباهات داوری در لیگ ایران گاهی فراتر از تصور است همان گونه که در لیگ انگلیس هم تصمیمات عجیب و غریب گرفته می‌شود اما مشکل اساسی لیگ ایران این است که تیم‌ها در حد نازل کیفی قرار دارند اما توقع دارند داورانی در حد جام جهانی برای آن‌ها سوت بزنند. برخی تیم‌ها نیز با انتشار بیانیه‌های غیرمنطقی قبل از بازی‌ها و در زمان اعلام داور مسابقه تلاش می‌کنند سوت‌های ۵۰-۵۰ را به نفع خود کنند و هیچ کسی هم برچنین اقدام‌هایی نظارت ندارد.

شاید اگر سرمریبان روی تاکتیک‌های خود کار کنند، مهاجمان قدرت بدنی خود را بالا ببرند تا با هرتنه ای بر زمین نیفتند و مدافعان نیز حواسشان به واکنش‌های لحظه ای در زمین باشد؛ دیگر داوران سیبل نمی شوند و نتایج همان گونه رقم می‌خورد که آن‌ها می‌خواهند.

خبرآنلاین

روزنامه سرخاب
سُرخاب کهن محله‌ای است در تبریز که خزینه ادب، عرفان و هنر ایرانی است

روزنامه با گستره شمالغرب کشور (کثیرالانتشار)
■ صاحب امتیاز: شرکت مطبوعاتی سخن نگاران طوبی ■ مدیرمسؤول: سیدرضا علوی
■ سردبیر: کریم جمالی ■ زیرنظر شورای سیاستگذاری ■ نشانی دفتر مرکزی: تبریز، شریعتی جنوبی، کوچه ارک، پلاک ۲۴ ■ نشانی دفتر تهران: تهران میدان انقلاب- جمالزاده جنوبی پلاک ۱۴۶ -طبقه‌سوم واحد ۶ -کدپستی ۱۳۱۳۸۶۴۱۸۵ تلفن: ۳۵۵۵۳۵۳۸-۰۴۱ ■ ۶۶۴۹۱۶۰۱-۰۲۱ ■ چاپ: برنیان

سخن روز

در تمام کارها خود را به خدا واگذار، که به پناهگاه مطمئن و نیرومندی رسیده ای، در دعا با اخلاص پروردگارت را بخوان که بخشش و محروم کردن به دست اوست، و فراوان از خدا درخواست خیر و نیکی داشته باش. وصیت مرا به درستی دریاب و به سادگی از آن نگذر، زیرا بهترین سخن آن است که سودمند باشد، بدان علمی که سودمند نباشد فایده ای نخواهد داشت و دانشی که سزاوار یادگیری نیست سودی ندارد

امام علی (ع) - نهج البلاغه

اذان صبح: ۵۳:۴۷:۰۵ — غروب آفتاب: ۶۰:۰۵:۱۷
طلوع آفتاب: ۲۴:۱۹:۰۷ — اذان مغرب: ۳۸:۲۶:۱۷
اذان ظهر: ۵۲:۱۲:۱۲ — نیمه شب شرعی: ۵۶:۲۶:۲۳

روزنامه سرخاب ■ سال چهاردهم ■ شماره ۳۷۱۷ ■ شنبه ۸ آذر ماه ۱۳۹۹

sorkhab.ir @tooba_online email:sorkhab.ir@gmail.com http://www.sorkhab.ir میثاق نامه اخلاق حرفه‌ای روزنامه‌نگاران در سایت روزنامه سرخاب ■ رتبه نشریه در طرح رتبه‌بندی نشریات: چهار

تأمل

مارادونای ایران چگونه شهید شد؟

ایسنا- مهدی ۱۵ گل برای تیم ملی جوانان زد و کاپیتان تیم ملی جوانان بود. یکی از گل‌های به یاد ماندنی او در بازی ایران و کره جنوبی زده شد. او به دلیل تکنیک بازی و شکل ظاهری اش، خود را با مارادونا قیاس می‌کرد.

مهدی رضایی مجد فرزند حسین در زمستان سال ۱۳۴۲ در محله پاچنار در یکی از محلات قدیمی تهران به دنیا آمد. دوران نوجوانی او با درس و ورزش همراه بود. مهدی فرزند چهارم خانواده ای ورزشی است که با کشتی ورزش خود را آغاز کرد و حتی قهرمان هم شد و با توصیه بردار بزرگ ترش حاج اکبر رضایی مجد به سمت فوتبال رفت.

در دوران مبارزات انقلاب همراه به توزیع اعلامیه‌های امام(ره) و همراه با مردم در تظاهرات حضور می‌یافت به گونه ای که اهالی محله از او به عنوان «امیری کوچک» یاد می‌کردند.

مهدی رضایی مجد در فوتبال در تیم‌های آذر، اکباتان و تهران جوان بازی کرد. او توانست به تیم پرسپولیس بپیوندد و با این باشگاه قرارداد امضا کرد و چهار ماه در تمرینات پرسپولیس حضور داشت.

مارادونای ایران

او در روزگاری که فوتبال بازی می‌کرد به دلیل تشابه ظاهری و تکنیک در بازی خود را با ماردونا مقایسه می‌کرد و هدفش این بود که در باشگاه‌های اروپایی توپ بزند.

مهدی ۱۵ گل برای تیم ملی جوانان زد و کاپیتان تیم ملی جوانان بود. یکی از گل‌های به یاد ماندنی او در بازی ایران و کره جنوبی زده شد؛ در مسابقات جام قهرمانی در بنگلادش که فدراسیون تیم ملی جوانان را به جای تیم ملی بزرگسالان به مسابقات اعزام کرده بود.

همزمان با جنگ تحمیلی عراق علیه ایران مهدی به جبهه اعزام شد. مهدی همواره در جبهه نیز مسابقات ورزشی برگزار می‌کرد و در تصاویری که از جبهه‌های مشاهده می‌کنید رزمندگان را با لباس‌های ورزشی و در حال ورزش هم می‌بینید. مهدی رضایی مجد مدال قهرمانی فوتبال را رها کرد و مدال سرخ حسینی را انتخاب کرد تا از اسلام و کشور دفاع کند. مهدی همواره سعی می‌کرد که جوانان را به راه درست هدایت کند و آنها را با به مسجد و هیات‌های مذهبی هدایت می‌کرد تا از ناهنجاری‌ها دور شوند.

مهدی رضایی مجد سمت چپ تصویر

شهادت در روز تولد

مهدی رضایی مجد در ۱۰ اسفند سال ۶۵ در عملیات تکمیلی «کربلای ۵» در منطقه عمومی شلمچه به فیض شهادت نایل شد. مهدی دهم اسفند ماه به دنیا آمد و دهم اسفند ماه هم به سوی معبود خود شتافت.

بخشی از وصیت نامه شهید رضایی مجد

اجازه از حضور حضرت بقیه الله اعظم روحی و ارواح العالمین له الفدا و با سلام خدمت امام خمینی که جان بی ارزش این بنده بیچاره فدای او باد، چند کلامی با این دستان لرزان می‌نویسم: ای خدای من تو را به حسینت، تو را به زینب، تو را به زهرایت، تو را به علی ات، مرا از در خانه ات ناامید مگردان، مرا جلوی پدران و مادران شهدا رو سیاه نکن.

خانواده‌های شهدا بدانند که ما رهرو راه فرزندان شهیدشان هستیم. هر چند ما گناهکار هستیم اما به درگاهت آمده ایم و عجز و ناله سر می‌دهیم و سپس ضمن حلالیت از پدر و مادرش توصیه می‌کند که بعد از شهادتش پیام رسان خون تمامی شهدا باشند و برای وی گریه نکنند، بلکه برای حضرت زهرا (س) که مادر تمامی شهداست و همچنین برای فرزند شهیدش حسن بن علی (ع) مویه کنند.

فرهنگ

"خود زنی هنری" یا "انتحار زیرپوستی"

ترجمان صبح- صحبت درباره هنر چندان آسان نیست، اهل هنر خوب میدانند که در چند دهه اخیر چه‌ها که بر سر هنر و هنرمند این مرز و بوم نیامده .هنوز که هنوز است جایگاه روشنی برای هنرمندان و گونه‌های هنری تعریف نشده است.

صحبت درباره هنر چندان آسان نیست، اهل هنر خوب میدانند که در چند دهه اخیر چه‌ها که بر سر هنر و هنرمند این مرز و بوم نیامده .هنوز که هنوز است جایگاه روشنی برای هنرمندان و گونه‌های هنری تعریف نشده است. حال آنکه هنر در تمام عرصه‌ها از جمله؛ مذهبی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی وخلاصه همه جوانب زندگی بشر نقشی اساسی ایفا می‌کند و اگر به درستی مدیریت شود، بسیاری از مشکلات و گرفتاری‌های کنونی جامعه ما رفع خواهد شد. با نگاهی به گذشته و حال جوامع مختلف درخواهیم یافت که هرگاه هنر و هنرمندان ملتی در بخشهای حساس حضور داشته اند، مسائل ومشکلات فرهنگی، اقتصادی و... به راحتی حل شده و آرامش و امنیت روحی روانی دوچندان گشته، نیز اگر به اوضاع آشفته و از هم گسیخته ملتی توجه کنیم، علت امر را در نابسامانی عرصه هنر و عدم حضور پر رنگ هنرمندان و فرهیختگان آن ملت در راس امور خواهیم یافت.

مدتی است در شهرمان زمزمه‌های واگذاری هنرستانهای هنرهای زیبا(گاه به بخش خصوصی و زمانی به دست ادارات آموزش و پرورش) بگوش میرسد. این در حالیست که متولی امور فرهنگی و هنری غالبا وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بوده و به تبع آن هنرستانهای هنرهای زیبا تحت نظارت و حمایت مستقیم ادارات کل فرهنگ و اسلامی می‌باشند. چرا که ساختار ذاتی هنر و خصوصا آموزشهای هنری بدلیل تخصصی بودن در تولیت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است.

حال درگیر و دار اوضاع کرونایی که توجه مردم و مسئولین را به خود جلب کرده و اضطراب و نگرانی به شکل روز افزونی دامن افراد جامعه را گرفته است، شعار و عمل همه مردم و مسئولین می‌بایست علاوه بر رعایت اصول بهداشتی و ... حفظ آرامش و تقویت روحیه خردسالان، جوانان و سالمندان باشد. اما متاسفانه شنیده می‌شود دراین ایام صحبت از تغییر و جابجایی مدیر هنرستان هنرهای زیبای کوثر تبریزاست. هنرستانی که سابقه درخشان و طولانی درامر آموزش هنر در کشور داشته و هنرمندان شاخص بسیاری را تحویل کشور اسلامیمان داده است. هنرستانی که همین دو سال پیش جشن صد سالگی آن برگزار شد. هنرستانی که در دوسال گذشته بیشترین قبولی کنکور را از فارغ اتحصیلان خود داشته. هنرستانی که طی چند سال اخیر هنرجویانش موفق شده اند رتبه‌های افتخارآمیزی از جشنواره‌ها و مسابقات فرهنگی هنری متعدد منطقه ای و سراسری کسب نمایند.

ذکر نکاتی بصورت مختصر برای روشن شدن اذهان عمومی، خصوصا هنرمندان و پیشکسوتان عرصه هنر و نیز اولیا و علاقمندان به فعالیتهای هنری خالی از لطف نخواهد بود.

- اصرار و پافشاری مسئولین در تغییر و جابجایی مدیر فعال و موفق فعلی هنرستان، قطعا عواقب ناخوشایندی در پی خواهد داشت که تاثیرات منفی آن متوجه هنرجویان، هنرآموزان، دبیران و اولیای هنرجویان خواهد بود و روند آموزشهای هنری را مختل خواهد ساخت.

- با توجه به انتصاب اخیرچند مدیر هنرستان ارشاد در سطح کشور از کارکنان آموزش و پرورش، در میابیم که این هنرستانها تازه تاسیسند و سابقه چندانی ندارند. درحالیکه هنرستان کوثر تبریز با سابقه طولانی و درخشان خود نیازی به انتصاب مدیر آموزش و پرورشی ندارد. حتی هنرستانهای شهرهای بزرگی همچون تهران، اصفهان، یزد، و بسیاری دیگرچنین اقدامی نکرده اند و این سوال پر رنگ تر میشود که چرا هنرستان کوثر تبریز در معرض چنین تصمیمی قرار گرفته است؟ که این خود جای تامل و دقت بسیار دارد.

- سابقه درخشان هنرستان طی سالهای اخیر در رابطه با درصد بالای قبولی فارغ التحصیلان آن در کنکور دانشگاهها، موفقیت هنرجویان در کسب رتبه‌های ارزشمند در مسابقات و جشنواره‌ها، (که نشان از مدیریت مناسب و کارآمد داشته)، هرگونه اقدامی را در رابطه با تغییر مدیر هنرستان غیرقابل توجیه و دور از منطق می‌نمایاند.

- تکرار مداوم این سوال در افکار عمومی خالی از لطف نیست که با چنین روند رو به رشدی که هنرستان کوثر با وجود مشکلات متعدد داشته است، چه انتظار دیگری می‌توان از یک مدیر موفق داشت؟ به تعبیر دیگر، چه دلیل منطقی می‌توان یافت که مدیری چنین موفق(با سابقه طولانی در عرصه هنر) را از این هنرستان جدا نموده و سکان هدایت یکی از حساسترین مکانها را به فردی نوآشنا و بی سابقه در زمینه مدیریت و آموزش هنر سپرد تا تمام تلاشها، زیرساختها و توفیقات چندین ساله در امر آموزش هنر، یک شبه محو گردد؟

- اصحاب فرهنگ و هنر این شهر و حتی کشور عزیزمان بخوبی از سابقه طولانی هنرستان کوثر تبریز آگاهند و میدانند که نمی شود هنرستانی با این قدمت را به فردی بی تجربه در حوزه مدیریت هنری سپرد، مگر اینکه قصد نوعی " خود زنی هنری" یا " انتحار زیرپوستی" داشته باشیم. توجه و اقدام بموقع و مناسب شان هنرستان کوثر از سوی هنرمندان و علاقمندانی که دغدغه شان پیشرفت و سربلندی هنر و اصولی تر کردن آموزشهای هنری در این مرز و بوم است، موجب خواهد شد تا برخی مسئولین که الویت نخست آنها یا مسائل مادیست و یا فراهم آوردن زمینه ارتقا شغلی اقوام خود، اندکی تامل نموده و دریابند که اهمیت آموزش هنر بسیار اولی تر از پرداختن به حساب وکتابهای صرفا مادی، بده بستانهای اداری و ارتقا شغلی قوم وخویشان است. چرا که دلیل و توجیه این تصمیم، یعنی جابجا نمودن مدیری موفق تنها برای صرفه جویی در هزینه‌ها و رفع موانع مادی هنرستان، چندان صحیح و دلسوزانه بنظر نمی رسد.

به عبارت ساده تر: ضربه زدن به بدنه آموزش هنر با بهانه تعدیل و کاهش هزینه‌ها، خیانتی جبران ناپذیر به همه داشته‌های معنوی و فرهنگی است.

- یادمان باشد که : هنرجویان امروز، آینده سازان جامعه فرهنگی و هنری فردای این سرزمینند و هر تصمیم و اقدام نادرستی در زمینه آموزش هنر، ریشه درخت تنومند فعالیتهای عمیق هنری را نشانه خواهد رفت.

یادداشت

استاد کریمي مراغه‌اي؛ از کودکی تا پیری

فریده اصلانی

سرخاب- میرزا حسین کریمي مراغه اي ۱۱ شهریور ۱۳۱۰ در مراغه ، در یک خانواده متدین و مذهبي چشم به جهان گشود. پدرش مرحوم ذاکر مراغه اي با تحصیلات مکتب خانه قدیمي، شاعري با احساس بود که در بازار مراغه به کار شمع ریزي و بقالي مشغول بود.

میرزاحسین تحصیلات اولیه خود را با فراگیري دروسي از قرآن مجید آغاز کرد سپس تحصیلات خود را ادامه داد تا اینکه از سال ۱۳۲۰ وقتي ۱۰ ساله بود با پدر قدم به بازار نهاد. وي روزها در کنار کارگاه کوچک شمع‌ریزي و بقالي پدر بي‌وقفه کار مي‌کرد و ساعات بیکاري پشت پیشخوان دست فروشي قرار مي‌گرفت و کوي و برزن شهر را براي فروش اجناس خود زیر پا مي‌گذاشت. اما شور و اشتیاق ایشان به شعر و شاعري روز به روز فزوني مي یافت. بازي با الفاظ او را متوجه این واقعیت ساخت که کلمات را به‌رشته کشیده و از جابجائي حروف، کلمات موزوني را به‌وجود مي آورد. گاه مي‌ایستاد و آنچه را که زمزمه مي‌کرد روي ورق پاره‌هایي مي‌نوشت. ولي دل و جرات آن را نداشت که نوشته‌ها و گفته‌هایش را در محضر استاد خود ذاکر ارائه دهد، چرا که مي‌دانست پدر از چهره‌هاي ادب و شمع محفل ادیبان شهر مي‌باشد. تا اینکه روزي مرحوم ذاکر مراغه‌اي در کنار بساط دست‌فروشي پسرش حسین، چشمش به پاره کاغذي افتاد که روي آن حروف و کلماتي به نظم کشیده شده بود، حدس مي‌زد پسرش با یک تعلیم و تربیت جزئي روزي و روزگاري در سلک شاعران قرار گیرد، ولي واقعیت این است که مرحوم ذاکر هرگز در دوران ۱۵سالگي پسرش نمي‌توانست این پیش‌بیني را داشته باشد و شاید در آن زمان این تصور نمي‌رفت که روزي اشتهار و شهرت دست پرورده‌اش فراگیر خواهد بود و باز نمي‌توانست پیش‌بیني کند که شاگرد مکتب آموز پدر روزي و روزگاري در مقام استادي محافل ادبي قرار خواهد گرفت و شمع جمع ارباب فضل و دانش و شعر و شاعري خواهد بود.

به هر تقدیر در ۱۵ سالگي، پدر پي به استعداد فرزندش برد و بعد از آن دست وي را گرفت تا این بار فنون فصاحت و بلاغت و قواعد پیچیده شاعري را به وي بیاموزد. بدین سبب او را به‌سوي گلستان و بوستان همیشه پربار شیخ اجل سعدي شیراز برد و این بار باب شعر و شاعري را رو در روي فرزند قرار داد .

استادکریمي مراغه اي ادامه دهنده سبک سنّتي و کلاسیک شعر است و غالباً در اشعار طنز خود رسم و رسوم زمان خود را به باد انتقاد گرفته است. اکثر اشعار او هرچند به ترکي آذربایجاني سروده شده‌اند ولي به علت مقید بودن به سبک قدیم و اوزان شعري با تعبیرات و اصطلاحات عربي و فارسي بسیاري آمیختگي دارند. سال‌ها گذشت تا اینکه سال ۱۳۳۸ در ۲۸ سالگي اولین جلد کتاب خود بنام رنگارنگ را چاپ کرد و یکسال بعد جلد دوم رنگارنگ را به چاپ رساند. او تا سال ۱۳۵۳ جلد ششم کتاب خود بنام رنگارنگ را منتشر داد و حالا ۱۷ جلد از این مجموعه منتشر شده است که ۳ جلد آن نیز آماده چاپ مي باشد. استاد کریمي مراغه اي علاوه بر آثار گرانبهائي که بنام رنگارنگ تدوین کرده‌اند آثار ارزشمند و سوزناکي در مراثي خاندان آل عصمت و طهارت در ۲۸ جلد به شرح ذیل سروده اند:

(۱۴ معصوم، انتقام کربلا، دریاي اشک، گلشن عزا، بزم غم ، آتشکده کریمي، غوغاي انقلاب، احرام عشق، جلالتها، کتاب غم، گلستان کریمي، بوستان کریمي، از کعبه تا کربلا، مصیبت نامه، فاطمیه کریمي، سوغات کربلا، کشکول، توشه عتبات، کربلاي کریمي، نینواي کریمي، عبرت نامه، شعله ده، طومار مصیبت) که تا بحال چندین بار تجدید چاپ شده و در دسترس مشتاقان قرار گرفته‌است. همچنین از مجموعه نوحه و مراثي ۲ جلد نیز آماده چاپ مي باشد.

استاد کریمي با کبر سن، تني سالم و روحیه‌اي قوي و عزمي استوار و اراده‌اي آهنین دارد. اغلب در سیر و سیاحت است و عقیده براین دارد که انسان به‌خصوص شاعر همیشه باید سیر و سیاحت داشته باشد روي این اصل سالي چند بار با دوستان به شهرهاي مختلف مسافرت مي‌کند و هر بار سفرنامه‌هاي منظومي ره آورد این مسافرتهاست که در حال حاضر سفرنامه‌هاي کریمي در حدود ۳۰۰ صفحه آماده چاپ است که در هر بیت از سفرنامه‌ها ، دریائي از پند و اندرز گنجانیده شده است. سفرنامه‌هاي استاد کریمي همه و همه به شهد پند و اندرز و آلوده به طنز است اما سفرنامه زیارت شام و به‌خصوص که اخیرا به مکه مکرمه مشرف شده‌اند و سفرنامه مذهبي و عرفاني که تنظیم و تدوین کرده‌اند نه تنها از نظر قدرت بیان بلکه از لحاظ رعایت اصول و قواعد شعري در نوع خود بي نظیر بوده و توانسته است عظمت اسلام و اندیشه اسلامي را در یک تابلوي بسیار گویا مجسم سازد. خوشبختانه در ۱۱ مرداد ۱۳۹۹ شوراي ارزشیابي هنرمندان و نویسندگان کشور نشان درجه یک هنري شعر آیینی (دکتراي افتخاري) را به پاس فعالیت شعري به استاد اعطا کردند. ایشان هم اکنون در بازار سرپوشیده مراغه در مغازه کتابفروشي و محصولات فرهنگي مشغول فعالیت مي باشند.

منظر

دستانی که به خاک هنرمی‌بخشند

عکس: مهر- مریم داورنیا

محبوبه کامران بانوی کارآفرین سفالگر از سال ۸۲ هنر سفالگری را شروع کرده است . عشق و علاقه او به این هنر باعث شده تا همسر او نیز به این هنر گرایش پیدا کند.

کارگاهی کوچک داخل منزل اما به وسعت باورهای بانوی کارآفرین، روایتگر دستانی است که به خاک هنر می‌بخشند. تأثیر ویروس منحوس کرونا بر روی تمامی مشاغل، محبوبه را هم بی نصیب نگذاشته و او هم از رکود بازار و تهیه مشقت بار مواد اولیه و لوازم مصرفی گلایه دارد. تصاویر زیر گوشه‌ای از فعالیت‌های زنان هنرور سرزمین خورشید شمالی هستند.